

نکات و دستور زبان فارسی ابتدایی

- مرور نکات فارسی پایه اول تا چهارم
- دانش زبانی پایه پنجم
- دانش زبانی و دستور زبان پایه ششم

مریم عزیزی - تالار معلمان پایه پنجم

تابستان ۹۷

مرور نکات مهم فارسی اول تا چهارم[1]

[1] قرار هست در مورد مرور فارسی صحبت کنیم در اول مهر (برای پایه پنجم)

این که بچه ها چی یاد گرفتن از اول تا چهارم و ما چی یاد آوری کنیم و چی تکلیف بدیم

سال اول که شناخت الفبا و صداها و ساخت کلمه های ساده و .... و در نهایت خواندن و نوشتن و جمله سازی کوتاه رو داریم و دستور زبان خاصی تدریس نمیشه

به جز این که جمله باید کامل نوشته بشه

که شروعی برای ضرورت فعل در جمله هست ولی اصلا وارد این مبحث نمیشه

فقط جمله کامل ساخته میشه

بریم **سال دوم**

سال دوم معرفی ساختن ترکیب هست و کلمات غیر ساده ولی باز هم تخصصی نیست در همین حد که پیشوند « هم » به اوّل بعضی از کلمه ها اضافه می شود و یک کلمه ی غیرساده ی معنی دار می سازد که معمولاً به معنی مشارکت در کاری است.

• همکار یعنی کسانی که کار مشترک دارند.

• هم شهری یعنی کسانی که شهر مشترک دارند.

• هم دست، هم خانه، هم دل، هم مسیر، هم پایه، هم وطن، هم اندازه، هم درد، هم سال و هم شاگردی از این دست کلمات هستند.

✓ **اشاره به ساختن ترکیب در بعضی از کلمه ها به نشانه ی (ـه ه) که صدای (ـِ) می دهد، ختم می شوند، در این صورت می توانند با « ای » ترکیب شوند.** مانند:

تازه ای – ساده ای – پرنده ای – دیده ای – نماینده ای – کتابخانه ای – روزنامه ای – کارخانه ای و ...

ولی کلماتی که صدای آخر آن ها (ـه ه) نیست، با (ی) ترکیب می شوند. مانند:

• درختی، مادری، مشهدی، آسانی، خوردنی، ایرانی، کوهی و ...

در نوشتن کلمات، باید به شباهت نشانه ی (هـ ـهـ ـه ه) و صدای (اِ ـِ ـه ه) دقت کنیم. کلمه هایی که صدای (هـ ـهـ ـه ه) دارند با (ی)، ترکیب می شوند.

• کوهی – راهی – پادشاهی – سیاهی – چاهی – کوتاهی – هم گروهی و ... .

- ✓ **مجدد با ساختن ترکیب کار شد در پایه دوم و معرفی کلمات غیر ساده با پیشوند « با » به بعضی از کلمه ها اضافه می شود و کلمه ی غیرساده ی معنی داری می سازد که اغلب به معنی دارندگی و دارا بودن است**

• با ادب یعنی کسی که ادب دارد.

• با ایمان یعنی کسی که ایمان دارد.

• به کسی که حجاب دارد، با حجاب می گویند.

• به کسی که سلیقه دارد، با سلیقه می گویند.

با ارزش، با نظم، باسواد، با اهمّیّت، باغیرت، بامعرفت، بامزه، بااستعداد و بادقّت، از این نوع کلمه ها هستند.

- ✓ **یادآوری صداهای نشانه ی و**

نشانه ی (و) در کلمات زیر صدای (او) می دهد.

دود، آموزش، کودک، روستا، روز، گوش، آموزگار و ...

نشانه ی (و) در کلمات زیر صدای (واو) می دهد.

وارد، هوا، اَحوال پرسی، ورزش، توانایی، مشورت و ...

نشانه ی (و) در برخی از کلمات صدای (اُ) می دهد.

مانند: خورشید، دو، موضوع، دوباره، خود، خودکار، خوش حال و ... و در بعضی از کلمه ها صدا ندارد. مانند:

خواهر، خواب، می خواهم، خواستن، استخوان، خواهش و ...

در ترکیب هایی مانند پدر و مادر، شب و روز، سرد و گرم، داد و بیداد، هفتاد و یک، بالا و پایین و ... نشانه ی (و) را باید با صدای (اُ) بخوانیم.

- ✓ **پیشوند « بی » بر سر بعضی از کلمه ها می آید و کلمه ی غیرساده ی معناداری را می سازد که به معنی دارا نبودن و نداشتن چیزی است.**

• بی ادب یعنی کسی که ادب ندارد.

• بی سواد یعنی کسی که سواد ندارد.

• بی حوصله یعنی کسی که حوصله ندارد.

• بی مزه یعنی چیزی که مزه ندارد.

بی انصاف، بی نظم، بی چاره، بی هنر، بی حجاب، بی رنگ، بی ارزش، بی اهمّیّت و ... کلماتی از این نوع هستند.

بعد معرفی مفهوم انواع جمله رو داشتن ، اول با پرسش کردن

- ✓ **به جمله هایی که در آن سؤالی پرسیده می شود، جمله ی سؤالی یا پرسشی می گویند.**

در پایان جمله های پرسشی علامت (؟) قرار می دهیم.

جمله های پرسشی دو نوع هستند:

۱) جمله هایی که دارای کلمات پرسشی هستند.

آیا، چرا، چگونه، چند، کدام و چه طور از کلمه های پرسشی هستند.

• آیا دوستم را در مدرسه پیدا کردی؟

• چرا با دوستانت همکاری نمی کنی؟

• چگونه نقّاشی ات را رنگ کردی؟

• کدام ساعت را می پسندی؟

• چه طور از رایانه، استفاده می کنی؟ و ...

۲) جمله هایی که کلمات پرسشی ندارند ولی ما از آهنگ جمله در سخن گفتن و یا از علامت (؟) در پایان جمله، به سؤالی بودن جمله پی می بریم.

• دوستم آمد؟

• مادرت را دیدی؟

• این صدای زیبا را می شنوی؟

یکم هم اشاره شد به تفاوت بعضی کلمه ها

- ✓ **آخربعضی از کلمه ها نشانه ی (اً) می آید. مانند: معمولاً، حتماً، بعداً، اصلاً**

هرگاه این نشانه در کلمه ای دیده می شود، آن را به صورت (ـَن) می خوانیم:

مثلاً، حتماً، لطفاً، فعلاً، مخصوصاً، بعداً، کاملاً، تقریباً، دقیقاً، کلماتی هستند که نشانه ی (اً) دارند.

- ✓ **کلمات « مترادف » یا « هم معنی » کلمه هایی هستند که از نظر معنی و مفهوم، یکسان هستند.**

ما می توانیم کلمه های مترادف را به جای یکدیگر در جمله به کار ببریم. مثلاً:

• کثیف یعنی آلوده (کثیف و آلوده هم معنی هستند.)

• تلاش یعنی کوشش (تلاش و کوشش هم معنی هستند.)

• من برای موفّق شدن تلاش می کنم.

• من برای موفّق شدن کوشش می کنم.

• کلمات هم معنی را با نشانه ی (:) در بین آن ها، نشان می دهند.

کثیف: آلوده　　تلاش: کوشش　　زیبا: قشنگ　　شاد: خوش حال

- ✓ **بعضی از کلمه ها، مفهوم مخالف هم دارند: مانند شب که مخالف روز و سرد که مخالف گرم است.**

به این دسته از کلمه‌ها، کلمات مخالف یا متضاد می‌گویند. برای نشان دادن دو کلمه‌ی مخالف از علامت (≠) استفاده می کنیم.

بزرگ ≠ کوچک　　سبک ≠ سنگین　　بالا ≠ پایین

نرم ≠ زبر　　کوتاه ≠ بلند　　ایستاده ≠ نشَسته

✓ **تدریس مفرد و جمع به این صورت آموزش داده شده که برای نوشتن چیزهایی که تعدادشان بیش تر از یکی است، از نشانه ی (ها) استفاده می کنیم.**

با اضافه شدن (ها) به بعضی کلمه ها، جمع بسته می شود.

مرد + ها ⟵ مردها

مرد یعنی یک مرد ، مردها یعنی چند مرد

سنگ + ها ⟵ سنگ ها

سنگ یعنی یک سنگ ، سنگ ها یعنی چند سنگ

✓ **حتی آشنایی با ضمیر هم داشتن به صورت تمرینی در جملات**

اگر کسی یا چیزی به ما نزدیک باشد، هنگامی که می خواهیم نامی از آن ببریم، از کلمه ی « این» یا «همین» استفاده می کنیم.

• به کتابی که نزدیک ماست، می گوییم: این کتاب یا همین کتاب

• به میزی که نزدیک ماست، می گوییم: این میز یا همین میز

و اگر کسی یا چیزی از ما دور باشد، هنگامی که می خواهیم نامی از آن ببریم، کلمه ی « آن » یا « همان » را قبل از اسم، به کار می بریم.

• آن مرد یعنی مردی که از ما دور است.

• همان مرد یعنی مردی که از ما دور است.

✓ **باز هم ساختن ترکیب و کلماتی که بشه باهاش به معانی جدید رسید**

شغل بعضی از افراد، ساختن ابزار و وسایل مورد نیاز ما است.

• کسی که کلید می سازد که به او « کلیدساز » می گویند.

• به کسی که مجسّمه می سازد، « مجسّمه ساز » می گویند.

• به کسی که آهنگی می سازد، « آهنگ ساز » می گویند.

✓ **یک نکته هم در مورد تفاوت بعضی کلمات**

در بعضی از کلمات، نشانه ی (ی) که در پایان کلمه می آید، با صدای (آ) خوانده می شود.

مانند: عیسی، موسی، حتّی، کبری، مرتضی، مصطفی

✓ **با اضافه کردن کلمه‌ی « خانه » به برخی از کلمات می‌توانیم یک کلمه‌ی مرکب معنی‌دار بسازیم.**

مانند: نماز + خانه ← نمازخانه

کلمه هایی که با « خانه » ترکیب می شوند به معنی محل یا جایی برای انجام کاری است.

گل + خانه ← گل خانه

گل خانه یعنی جایی که در آن گل کاشته می شود.

وضو + خانه ← وضوخانه

وضوخانه یعنی جایی که در آن وضو می گیریم.

دارو + خانه ← داروخانه

داروخانه یعنی جایی که در آن دارو می فروشند.

✓ **یادمان باشد در جمله سازی، فعل با بقیّه ی قسمت های جمله مخصوصاً کننده کار آن مطابقت داشته باشد.**

در غیر این صورت جمله ها معنی درستی نمی دهند.

* من خدا را شکر می کنم. * ما خدا را شکر می کنیم.
* تو خدا را شکر می کنی. * شما خدا را شکر می کنید.
* او خدا را شکر می کند. (برادرم خدا را شکر می کند.) * آن ها خدا را شکر می کنند.

* من به مدرسه رفتم. * ما به مدرسه رفتیم.
* تو به مدرسه رفتی. * شما به مدرسه رفتید.
* او به مدرسه رفت. * آن ها به مدرسه رفتند.

✓ **برای مقایسه ی دو چیز با یکدیگر، به کلمه پسوند « تر » اضافه می کنیم. در این صورت یکی از آن ها نسبت به دیگری برتری دارد.** مانند:

• علی از زهرا بزرگ تر است.

• مدادِ من از مداد نازنین، خوش زنگ تر است.

• این کیف، از آن کیف، گران تر است.

و اگر بخواهیم چیزی را با چند چیز دیگر مقایسه کنیم، پسوند « ترین » به آن اضافه می کنیم. در این صورت یکی از آن ها نسبت به بقیّه ی چیزهای دیگر برتری دارد. مانند:

• مادرم مهربان ترین دوستِ من است.

• پدرم، بزرگ ترین فردِ خانواده ی ما است.

• زهرا، بهترین و دلسوزترین هم شاگردی من است.

✓ **می توانیم جمله هایمان را با استفاده از کلمه های مختلفی که زمان های متفاوت را نشان می دهند، بسازیم.**

مثلاً از کلمه های پارسال، سال گذشته، امسال، امروز، دیروز، صبح زود، ماه پیش، هفته قبل، این هفته و ... استفاده کنیم. مانند:

• هفته ی قبل اتّفاق خوبی برای خانواده ام افتاد.

• امروز صبح دوستم را در خیابان دیدم.

✓ **با اضافه کردن پسوند « گاه » به بعضی از کلمه ها، کلمه ی جدیدی می سازیم که معنی محل یا جای چیزی را می دهد.** به این نمونه ها توجّه کن:

زیارت + گاه ← زیارتگاه زیارتگاه: یعنی محلّ زیارت.

نمایش + گاه ← نمایشگاه نمایشگاه: یعنی محلّ نمایش دادن

آزمایش + گاه ← آزمایشگاه آزمایشگاه: یعنی محلّ آزمایش کردن

در نوشتن این نوع کلمات باید دقّت کنیم که « گاه » به کلمه ی اصلی وصل شود و جدا نوشته نشود. مانند:

آزمایش گاه (غلط) آزمایشگاه (صحیح)

✓ **درباره ی جمع بستن کلمه ها توضیح دادیم که اگر بخواهیم یک چیز یا یک نفر را نام ببریم، از نشانه ی خاصّی استفاده نمی کنیم؛ امّا اگر تعداد آن ها از یکی بیش تر باشد، آن ها را جمع می بندیم. تاکنون کلمه‌ها را با پسوند « ها » جمع می بستیم؛ اما از دیگر نشانه های جمع بستن، پسوند « ان » است.**

کودک + ها ← کودک ها　　دست + ها ← دست ها

(چند کودک)　　(چند دست)

کودک + ان ← کودکان　　دست + ان ← دستان

(چند کودک)　　(چند دست)

✓ **هنگام جمع بستن کلمه ها با « ان » باید به این نکته توجه کنیم که اگر پایان کلمه ای نشانه ی (ـه ه) با صدای (اِ) یا صدای « آ »، « ی »، « و »، آمده باشد، هنگام وصل شدن به « ان » یک حرف دیگر به کلمه اضافه می شود که به آن حرف « میانجی » می گویند.** مانند:

آقا + ان ← آقایان　　دانشجو + ان ← دانشجویان　　سبزی + ان ← سبزیجات

ستاره + ان ← ستارگان　　گذشته + ان ← گذشتگان

✓ **بعضی از کلمه ها در جمله های مختلف، معنی متفاوتی دارند که با توجّه به جمله معنی اصلی آن را متوجّه می شویم.** به این جمله ها دقّت کن:

• دیروز وقتی غذای خوش مزه ای که مادرم پخته بود، خوردم، حسابی سیر شدم.

• برادرم برای آماده کردن میز شام، ترشی سیر هم روی میز گذاشت.

کلمه ی « شیر » را در این جمله ها، با هم مقایسه کن:

• در باغ وحش، دو شیر خیلی قوی را دیدم.

• مادرم می گوید روزی یک لیوان شیر برای سلامتی مفید است.

• شیرِ آبِ حمام خانه ی ما خراب شده است.

همین طور کلمه ی « شور » در این جمله ها:

• غذای دیروز خیلی شور بود.　　• بچّه ها برای رفتن به اردو، شور و حال زیادی داشتند.

✓ **اگر بخواهیم جنس چیزی یا اهلیّت کسی را بیان کنیم، آن کلمه را با «ی» ترکیب می‌کنیم.** مثلاً:

• به کسی که اهل « شیراز » است « شیرازی » می گویند.

• به چیزی که از جنس « چوب » است، « چوبی » می گویند.

• به کسی که اهل « آلمان » است « آلمانی » می گویند.

•به چیزی که از جنس شیشه است « شیشه ای » می گویند.

✓ **اگر « کار » را به بعضی از کلمه ها اضافه کنیم، کلمه های مرکب جدیدی ساخته می شود که به معنی انجام دادن آن کار است.**

ورزش + کار ← ورزش کار (ورزش کار یعنی کسی که ورزش می کند.)

خدمت + کار ← خدمت کار (خدمت کار یعنی کسی که خدمت می کند.)

نیکو + کار ← نیکوکار (نیکوکار یعنی کسی که کارهای نیک و خوب انجام می دهد.)

✓ **کلمه‌هایی که نشانه‌ی آخر آن‌ها (ـه ه) با صدای (اِ) است، هنگام ترکیب شدن با پسوند «ان» از شکل (ـه ه) به شکل (ـِ) تبدیل می شوند و یک نشانه « گ » به عنوان میانجی در کلمه ظاهر می شود.**

گذشته + ان ← گذشتگان

ستاره + ان ← ستارِگان

پرنده + ان ← پرندگان

فرشته + ان ← فرشتِگان

✓ **با اضافه کردن پیشوند « نا » به اوّل بعضی از کلمه ها، کلمه های جدیدی ساخته می شود که معنی نداشتن و نبودن چیزی را می رساند.**

نا + مناسب ← نامناسب (نامناسب چیزی است که مناسب نباشد.)

نا + آشنا ← ناآشنا (ناآشنا، کسی است که آشنا نباشد.)

نا + امید ← ناامید (ناامید، کسی است که امید نداشته باشد.)

نا + راحت ← ناراحت (ناراحت، کسی است که راحت نباشد.)

نا + بینا ← نابینا (نابینا، کسی است که بینایی نداشته باشد.)

ناوارد، نامرتّب، نادرست، ناشنوا، ناراحتی، ناتمام، ناچار، نادان از این دست کلمه ها هستند.

✓ **گاهی اوقات برای زیباتر شدن و تأکید یک حالت در جمله از کلمه هایی استفاده می کنیم که دو بار پشتِ سرِ هم تکرار می شوند. مانند:**

مادرم آمد ← مادرم آرام آرام آمد.

باران بارید ← باران نَم نَم بارید.

هوا سر می شود ← هوا یواش یواش سرد می شود.

دوستم غذا می خورد ← دوستم تند تند غذا می خورد.

✓ **با شنیدن اسم بعضی چیزها، یاد چیزهای دیگری می افتیم که با هم ارتباط معنایی دارند. مثلاً با شنیدن کلمه ی « شب » یادِ تاریکی، ستاره ها، ماه، چراغ ... می افتیم. و کلمه ی « زمستان »، برف، سرما، آدم برفی، کلاه و بخاری را به یاد ما می آورد.**

• به این ارتباط بین کلمه ها، « شبکه ی معنایی » می گویند.

✓ **بعضی از صداها، تنها مخصوص یک موجود است که ما آن موجود را، با آن صدای مخصوص می شناسیم. به این نوع صداها « آوا » هم می گویند.** به آواهای زیر توجّه کن.

خِش خِش: صدای برگ خشک　　قُل قُل: صدای جوشیدن آب　　شُرشُر: صدای آب

هوهو: صدای باد　　قارقار: صدای کلاغ　　جیک جیک: صدای گنجشک

✓ **مثال هایی از شبکه معنایی**

گاهی با شنیدن بعضی از کلمات، کلمه های دیگری به یادمان می آید که بین آن ها ارتباط معنایی یا مفهومی وجود دارد. مثلاً وقتی کلمه ی مدرسه را می شنویم، حتماً به یاد دانش آموز، تخته، معلّم، کلاس، زنگ تفریح، میز و نیمکت و ... می اُفتیم.

به این ارتباط در زبان فارسی، « شبکه معنایی » می گویند. اگر بخواهیم برای « فوتبال »، شبکه معنایی بسازیم، خواهیم نوشت:



✓ **برای جمع بستن به آخر کلمه ها یا ان اضافه می کنیم و با این کار تعداد بیش از یکی را نشان می دهیم مانند کتاب (یک کتاب) کتاب ها (چند کتاب)**

وقتی می گوییم: « مداد »، منظورمان فقط یک مداد است.

اما وقتی می گوییم: « مدادها »، از چند مداد صحبت می کنیم.

✓ **برای این که تعداد چیزی را که از « یکی » بیش تر است نشان دهیم، یکی از نشانه های (ها)، (ان) یا (ات) را به کلمه اضافه می کنیم.**

تصادف: یک تصادف	دختر: یک دختر	گل: یک گل
تصادف + ات ← تصادفات	دختر + ان ← دختران	گل + ها ← گل ها
(چند تصادف)	(چند دختر)	(چند گل)

برای جمع بستن همه ی کلمه ها می توانیم از « ها » استفاده کنیم، ولی « ان » و « ات » را در بعضی از کلمه ها به کار می بریم.

همه‌ی کلمه‌هایی که نشانه ی (ها)، (ان) یا (ات) دارند، جمع نیستند. برای تشخیص آن ها باید نشانه‌ی جمع را از کلمه برداریم، اگر کلمه معنی داشته باشد در جمع و در غیر این صورت، مفرد است.

عرفان: مفرد　　رُبات: مفرد　　اژدها: مفرد

- ✓ **کلماتی که در آخر آن ها (ه) باشد هنگام جمع بستن با ان ابتدا (ه) به گ تبدیل می شود سپس با ان جمع بسته می شود مانند پرنده + ان = پرندگان**

- ✓ **با کنار هم گذاشتن چند جمله درباره یک تصویر یک بند ساخته می شود.**

- ✓ **اگر کلمه ها با یک دیگر هم معنی نباشند و معنی مخالف باهم داشته باشند، به آن ها « کلمه های مخالف » می گوییم.**

مانند: (شب و روز)، (سرما و گرما)، (تازه و کهنه)

برای نشان دادن دو کلمه ی مخالف از نشانه ی (≠) استفاده می کنیم.

دوست ≠ دشمن (یعنی دوست مخالف دشمن است.)

می آیم ≠ نمی آیم مناسب ≠ نامناسب

- ✓ **کلمه های « من، تو، او، ما، شما، آن ها » اگر در اوّل جمله بیایند، باید با کلمه ی آخر جمله (فعل) هماهنگی داشته باشند.** مثلاً:

من کتاب داستان خریدم. (درست) من کتاب داستان خریدی. (نادرست)

من فوتبال را دوست دارم. **ما فوتبال را دوست داریم.**

تو فوتبال را دوست داری. **شما فوتبال را دوست دارید.**

او فوتبال را دوست دارد. **آن‌ها فوتبال را دوست دارند.**

گاهی در اوّل جمله، اسم انسان، حیوان، شهر یا چیز دیگری می آید. این کلمات هم باید با فعل هماهنگی داشته باشند.

مدادم از روی میز افتاد. (درست)

مدادها از روی میز افتادند. (درست)

مداد از روی میز افتادند. (نادرست)

✓ **هر مکانی، معنی مخصوص دارد.** مانند:

استخر: یک مکان ورزشی است.

سینما: یک مکان فرهنگی است.

مدرسه: یک مکان آموزشی است.

محلّه: یک مکان اجتماعی است.

مسجد: یک مکان دینی است.

خانه‌ی سلامت: یک مکان بهداشتی است.

✓ **فرهنگستان زبان و ادب فارسی، واژه ی « رایانه » را به جای کلمه ی خارجی « کامپیوتر » قرار داده است.**

✓ **به کلمات زیر دقت کنید:**

نظم – ناظم – منظم　　قصد– مقصد – مقصود – قاصد　　علم – عالم – علوم

در هر گروه از این کلمات سه حرف مشترک به ترتیب وجود دارد.

مثال:

کتاب، کتب، مکتوب← سه حرف (ک ت ب) در هر سه این کلمات مشترک است.

شاکر – شکر – تشکّر ← سه حرف (ش ک ر) در همه آن ها مشترک است.

بعضی از کلمه ها از نظر معنایی نزدیک به هم هستند و بعضی از حروف آن ها مشترک است. به این کلمه ها، « هم خانواده » می گویند.

با بعضی از این کلمه ها آشنا شده ای؛ مانند دانش آموز، دانشمند، دانشگاه، دانش جو

✓ **وقتی دو کلمه که در کنار هم قرار گرفته اند به هم مربوط باشند آن ها را نشانه ی ـِ به هم وصل می کنیم مانند لیوانِ آب**

اما اگر آخر آن ه و صدای کسره بدهد باشد به جای ـِ با ی به کلمه دوم وصل می شود خانه ی بزرگ

- ✓ **نوع سخن، در گفتار و نوشتار متفاوت است.**

وقتی مطلبی را می خواهیم بنویسیم، باید به صورت نوشتاری آن را بنویسیم و از نوشتن عامیانه، پرهیز کنیم.

نمونه ←

(اونا بهش میگن) عامیانه گفتار

(آن ها به او می گویند) نوشتاری

ما می توانیم در حرف زدن از گفتار عامیانه استفاده کنیم ولی در نوشته هایمان باید به صورت نوشتاری بنویسیم.

بچّه ها زنگ تفریح اومدن تو حیاط. (نادرست)

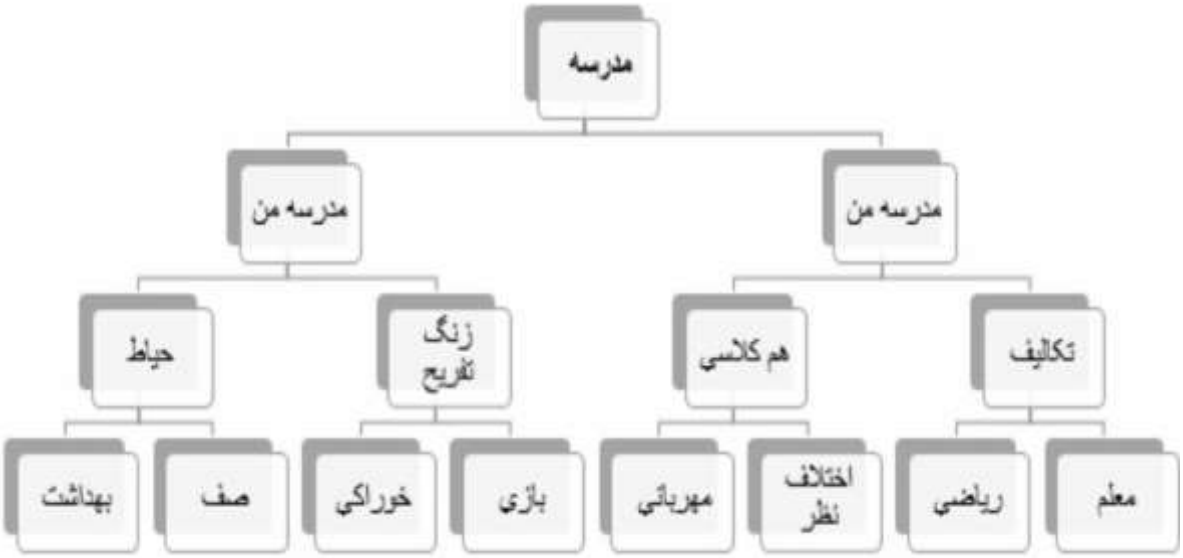
بچه ها زنگ تفریح به حیاط آمدند. (درست)

- ✓ **به نوشته های کوتاهی که جمله های آن درباره ی یک موضوع است و جمله ها باهم در ارتباط هستند، یک « بند » می گویند. نام دیگر بند، پاراگراف است**

رسیدیم به مرور نکات **سوم ابتدایی**

- ✓ **برای این که بتوانیم درباره ی یک موضوع، یک یا دو بند، بنویسیم، لازم است برای موضوع انتخاب شده، شبکه معنایی بسازیم و آن را گسترش دهیم؛ سپس در مورد هر کدام از شبکه ها، یک یا چند جمله بنویسیم و آن ها را به یک دیگر ارتباط دهیم؛** مثلاً اگر قرار است درباره ی موضوع « مدرسه » متنی را بنویسیم، بهتر است شبکه ی معنایی برای مدرسه بسازیم.

✓ **گام اوّل برای بند نوشتن « انتخاب یک موضوع مناسب » است. بهتر است قبل از این که بندنویسی را شروع کنی، یک موضوع مناسب انتخاب کنی که دارای شبکه معنایی زیادی باشد.**



✓ **برای این که یک جمله یا متن را بهتر بخوانیم، لازم است که نشانه هایی را در جمله یا متن خود به کار ببریم.**

این نشانه ها را که شامل نقطه (.) علامت سؤال (؟) ویرگول (،) دو نقطه (:) گیومه (« ») و ... می شوند نشانه های نگارشی می نامند.

• در پایان بیش تر جمله ها نقطه می گذاریم. (.)

مانند: روزهای خوبی را برای دوستانم آرزو می کنم.

• پایان جمله های پرسشی علامت سؤال می گذاریم (؟)

مانند: چرا آلودگی صوتی، باعث آزردن ما می شود؟

• در پایان جمله هایی که باعث تعجّب و شگفتی ما می شوند، علامت (!) می گذاریم.

مانند: به به! چه روزهای خوبی!

• برای مکث کوتاه در بین کلمات از ویرگول استفاده می کنیم.

مانند: ما، روز چهارشنبه به شیراز خواهیم رفت.

• از گیومه (« ») وقتی استفاده می شود که بخواهیم جمله یا سخن شخص دیگری را در بین جمله های خودمان بیاوریم. بهتر است قبل از گیومه (:) بگذاریم.

مانند: مادرم گفت: « صدای تلاوت قرآن خیلی گوش نواز است. »

✓ **برخی کلمه ها از نظر نوشتار به یک شکل هستند امّا از نظر تلفّظ و معنی با هم متفاوت هستند. به آن ها « کلمات مشابه » می گویند.**

در کارگاه سفال گری، کوزه های زیبایی با گِل ساخته می شود.

مادربزرگ، گُل های باغچه را در گلدان کاشت و به من هدیه کرد.

(گِل و گُل) مشابه هستند.

کَشتی گرفتار طوفان شد.

تیم ملّی کُشتی ایران، قهرمان جهان شد.

(کَشتی و کُشتی مشابه هستند.)

کلمات دیگری مانند:

(سَم و سُم) – (شِش و شُش) – (دَم و دُم) – (سَر و سُر) – (مَرد و مُرد) و ... .

✓ **کارهایی که اکنون مشغول انجام دادن آن هستیم، مربوط به زمان حال است.**

من هم اکنون دارم تکالیفم را می نویسم و مادرم در آشپزخانه است.

✓ **برای ساختن یک کلمه ی جدید، می توانیم دو کلمه را باهم ترکیب کنیم و کلمه ای با معنی جدید به وجود بیاوریم.**

بعضی از کلمه ها با « کِش » ترکیب می شوند و کلمه های معناداری می سازند. مثلاً:

دود + کش ← دودکش (دودکش، وسیله ای است که دود را از خانه بیرون می کشد.)

نفت + کش ← نفت کش (نفت کش، وسیله ای است که نفت را از چاه بیرون می کشد.)

بار + کش ← بارکش (بارکش، وسیله ای است که بارهای سنگین را می کشد.)

خط + کش ← خط کش (خط کش، وسیله ای است که خط می کشد.)

آب + کش ← آب کش (آب کش، وسیله ای است که آب را از چیزی بیرون می کشد.)

✓ **یاد گرفتیم، کارهایی که اکنون در حال انجام دادن آن هستیم مربوط به زمان حال است. امّا، ما در گذشته هم کارهایی انجام داده ایم؛ مثلاً دیروز، یک ساعت قبل، سال گذشته، سال های قبل و ... که دیگر مشغول انجام دادن آن کار نیستیم و آن کار انجام گرفته و تمام شده است. این کارها مربوط به زمان گذشته می شوند. کلمه هایی مثل: دیروز، قبلاً، پارسال، چند روز پیش، سال ها قبل و ... به زمان گذشته اشاره دارند.**

به این جمله ها دقّت کن:

دیروز تصمیم گرفتم (گذشته)که دیگر پر حرفی نکنم (حال)

پارسال در کلاس دوم درس می خواندم (گذشته) امسال در کلاس سوم درس می خوانم (حال)

چند دقیقه قبل آموزگار موضوعی را برای انشا انتخاب کرد (گذشته) و ما اکنون مشغول نوشتن انشا هستیم (حال)

✓ **می توان با ترکیب کلمه ها با واژه ی (سَر) کلمه های جدید، با معنای جدید ساخت.** مانند:

سر + حال ← سرحال

سر + زمین ← سرزمین

سر + بلند ← سربلند

سر + لشگر ← سرلشگر

✓ **هرگاه کاری یا اتّفاقی در زمانی غیر از حال و گذشته صورت گیرد، یعنی در آینده انجام شود، به زمان فعل، زمان آینده می گویند ← فعل زمان آینده، به همراه کلمه ی (خواه) می آید.**

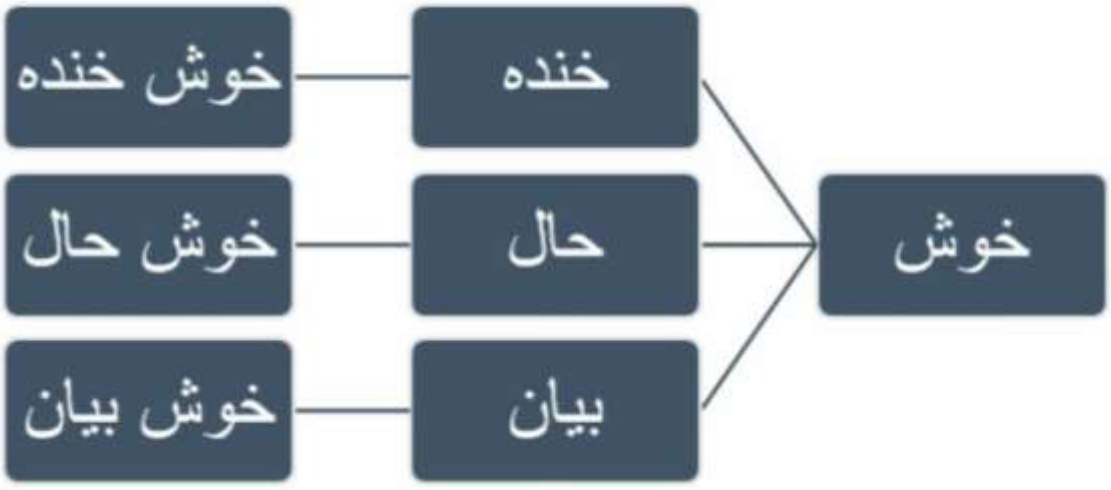
مانند: من تکالیفم را خواهم نوشت.

✓ **با ترکیب کردن بعضی از کلمه ها با کلمه ی « خوش » می توان کلمه های جدید، با معنای جدید ساخت.** مانند:

خوش مزه: دست پخت غذای مادرم، خوش مزه است.

این ترکیب ها « **صفت** » می سازند.

« صفت کلمه ای است که اسم قبل از خودش را تعریف می کند. »



✓ **ما برای احترام به بزرگان، امامان و پیامبران از اصطلاحاتی استفاده می کنیم.**

• مانند: صلّی الله علیه و آله، که گاهی برای کوتاه شدن این عبارت، از نشانه ی (ص) استفاده می کنیم و اغلب آن را بعد از اسامی پیامبران به کار می بریم.

• (س): سلام الله علیها

(سلام خدا بر او باد)

• (ع): علیه السّلام

(سلام خدا بر او باد)

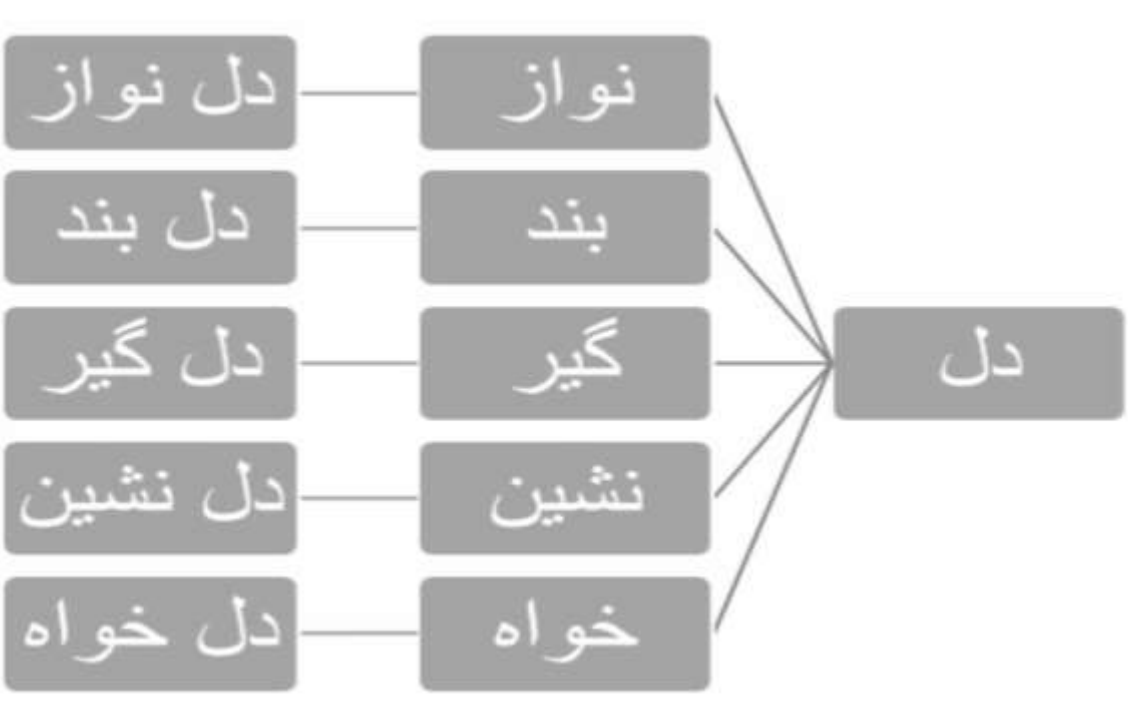
• (ص): صلّی الله علیه و آله

(درود خداوند بر او و خانواده اش باد)

• حضرت محمّد (ص)، حضرت علی (ع)، حضرت فاطمه (س) و ...

✓ **یادمان باشد که تمام جمله هایی که در یک بند نوشته می شود با موضوع انتخاب شده هماهنگ باشد و موضوع اصلی را توضیح دهد. جمله هایی را که به موضوع مربوط نمی شوند، از متن نوشته حذف کنیم.**

✓ **از اضافه کردن بعضی از کلمات، به یک واژه، کلمات جدید با معنای جدید به دست می آید.**



✓ **یک جمله، از قسمت های مختلف تشکیل شده است که مهم ترین و اصلی ترین آن، « فعل » است که در آخر جمله می آید.**

جمله هر چند کوتاه باشد، وقتی فعل داشته باشد، مفهوم را می رساند؛ مانند: رفتم، یعنی من رفتم.

جمله ها اغلب با « فعل » کامل می شوند. مانند:

دوستانم را جشن تولّدم.

(جمله ی کاملی نیست ولی با فعل کامل می شود.)

دوستانم را به جشن تولّدم دعوت کردم

(دعوت کردم فعل)

مادرم از راه (جمله کامل نیست)

مادرم از راه رسید. (جمله کامل)

در بعضی از جمله ها فعل دیده نمی شود ولی از مفهوم جمله می فهمیم که جمله کامل است و فعل آن حذف شده است و این حذف برای جلوگیری از تکرار فعل در جمله است. مانند:

چشمه ها در زمزمه: چشمه ها در حال زمزمه هستند.

چه گلی را از بقیّه بیش تر دوست داری؟

گل نرگس (این جمله فعل ندارد. ولی ما می فهمیم که جمله ی کامل این طور بوده: گل نرگس را بیش تر از بقیّه دوست دارم.)

✓ **برای شمارش تعداد جمله ها در یک عبارت، باید تعداد فعل ها را بشمریم.**

او از شکست دلخور بود (۱) ولی نا امید نشد (۲)

دریا زیبا و بی انتها است (۱) و چه زیبا و دیدنی! (۲) (است)

✓ **گاهی جای « فعل » در شعرها عوض می شود و اوّل جمله یا وسط جمله می آید. این کار به خاطر رعایت وزن و آهنگ شعر است.**

« اندر آن دشت، پیرمردی دید که گذشته است عمر او زِ نود »

« گذشته است » وسط جمله آمده است که اگر اخر جمله می آمد آهنگ شعر به هم می خورد.

✓ **پسوند « مَند » صفت می سازد و دارایی و صاحب چیزی بودن را نشان می دهد.** مانند:

انسانِ ثروتمند: ← یعنی انسانی که ثروت دارد.

مردِ هنرمند: مردی که هنر دارد.

دانشمند: کسی که دانش دارد.

✓ **اگر در یک جمله، فعل را تغییر دهیم، می توانیم جمله هایی جدید با معنای جدید بسازیم.**

آموزگار آمد.

آموزگار رفت.

آموزگار خندید.

با تغییر فعل در جمله، معنی جمله هم تغییر می کند.



- ✓ **نوشتن درباره ی یک موضوع کلّی، کار دشواری است؛ بنابراین، بهتر است موضوع کلّی را به موضوع های کوچک تری تقسیم کنیم و درباره ی یکی از موضوعات کوچک‌تر بنویسیم؛**

مثلاً اگر موضوع درباره ی « بهار » باشد، می توانیم آن را به موضوع های کوچک تری مثل: عید نوروز، میوه های بهاری، ماه های فصل بهار، آب و هوای بهار و ... تقسیم کنیم و درباره ی یکی از آن ها بنویسیم.

- ✓ **حکایت، داستان کوتاهی است که از روزگار گذشته بر جای مانده است و با پند، اندرز و نصیحت همراه است. « خارکن و حاتم طایی » نمونه ای از یک حکایت است. سعدی در گلستان خود، حکایت های زیبایی دارد.**

- ✓ **پسوند « ستان » اشاره به مکان دارد. با ترکیب کردن یا اضافه کردن « ستان » به کلمه ها می توانیم کلمه ی جدید با معنای جدید بسازیم.** مانند ← کوهستان

کوه + ستان ← کوهستان: محلّی که کوه های بسیار زیادی دارد.

تاک + ستان ← تاکستان: محلّی که تاک های (درختان انگور) بسیار زیادی دارد.

نارنج + ستان ← نارنجستان: محلّی که نارنج های فراوانی دارد.

گل + ستان ← گلستان: محلّی که گل های بسیار زیادی دارد.

بیمار + ستان ← بیمارستان: محلّی که بیماران زیادی آن جا بستری هستند.

- ✓ **دان پسوند، « جا » و « مکان » است.**

با ترکیب کردن اسم ها با واژه ی « دان » می توان کلمه های جدید با معنای جدید ساخت.

آتش + دان ← آتشدان

- ✓ **نوشته ای را که دارای سه ویژگی مهم ۱– داشتن عواطف ۲– بیان احساسات ۳ – داشتن آهنگ باشد، شعر می نامند.**

✓ **اگر نهاد جمله ها را تغییر دهیم می توانیم جمله های جدید بسازیم.**

او ← آمد.　　مریم ← آمد.　　معلّم ← آمد.

✓ **با اضافه کردن حرف « ی » به برخی اسم ها، می توانیم کلمه ی جدیدی بسازیم که نام شغلی را به محلّ آن شغل تبدیل کند.**

عکّاس ← کسی که عکس می گیرد (شغل)

عکّاسی ← محلّی که عکّاس عکس می گیرد (محلّ کار)

قنّاد ← کسی که شیرینی می پزد (شغل)

قنّادی ← محلّی که قنّاد در آن کار می کند (محلّ کار)

✓ **برای زیباتر شدن جملات یا نوشته هایمان، چیزی را به چیز دیگر تشبیه یا شبیه سازی می کنیم.** مانند:

مادرم مثل فرشته، مهربان است.

آب آیینه ایست پهناور ← آب مانند آیینه ای پهناور است.

صورت خواهرم مثل گل زیباست.

✓ **با ترکیب اسامی اعضای بدن با نشانه‌ی « ه » می‌توانیم یک کلمه‌ی جدید یا یک اسم جدید بسازیم.**

دهان ← دهان + ـه ← دهانه　　دست ← دست + ـه ← دسته

گوش ← گوش + ـه ← گوشه　　پا ← پا + ـه ← پایه

دندان ← دندان + ـه ← دندانه　　لب ← لب + ـه ← لبه

✓ **از ترکیب بعضی از کلمه ها با پسوند « ناک » کلمه ی جدیدی ساخته می شود.**

خطر + ناک ← خطرناک　　سوز + ناک ← سوزناک

کلماتی که از ترکیب شدن با « ناک » ساخته می شوند، کلمه ی قبل از خود را توصیف می کند.

خاکِ نمناک: خاکی که نم دارد　　نگاهِ غمناک: نگاهی که غم دارد.

✓ **یک جمله می تواند از یک کلمه ساخته شده باشد.** مثل ← رفتم.

• یک جمله می تواند از دو کلمه سخته شده باشد. مثل ← من آمدم.

• یک جمله می تواند از چند کلمه ساخته شده باشد. مثل ← علی در را بست.

علی ظرف ها را شست.

علی : فاعل　　ظرف ها : مفعول　　شست : فعل

با پرسش این سؤال که علی چه چیزی را شست؟ می توان معنی جمله را کامل کرد.

مفعول در نمودار جمله کامل کننده معنی جمله هست

✓ **با افزودن پسوند « انه » به اسم ها می توانیم یک کلمه ی جدید با معنای جدید بسازیم.** مانند:

عصر + انه ← عصرانه　　صبح + انه ← صبحانه　　دختر + انه ← دخترانه

✓ **یادداشت برداری، یعنی نوشتن چیزهایی که می شنویم، می بینیم یا می خوانیم.**

در هنگام نوشتن یک گزارش، می توانیم از یادداشت برداری هایی که انجام داده ایم، استفاده کنیم.

با مرور **چهارم** ادامه بدیم

- ✓ **بعضی واژه ها زیر مجموعه هایی دارند؛ مثلا وقتی می گوییم خانواده کلمه هایی مانند پدر ، مادر ، خواهر و برادر زیر مجموعه های این واژه هستند .**

فصل : بهار، تابستان، پاییز، زمستان میوه : پرتقال، موز، سیب و .... ورزش : فوتبال، کشتی، شنا و ....

- ✓ نکته مهمی که در نوشتن اهمیت دارد ، استفاده از نکات نگارشی مناسب است تا منظور نویسنده بهتر و سریع تر درک شود .

نقطه (.) : در پایان جمله های خبری و دستوری استفاده می شود و جمله را به پایان می رساند .

مریم به دانشگاه رفت . او بسیار به درس خواندن علاقه دارد .

ویرگول (،) : علامت مکث کوتاه در خواندن است و شیوه خواندن را تغییر می دهد .

به این دو جمله دقت کنید .

پدر علی ، (مکث) از مدرسه برگشت . از برگشتن پدر علی از مدرسه صحبت می کنیم

پدر ، (مکث) علی از مدرسه برگشت . به پدر می گوییم که علی از مدرسه برگشته است

دو نقطه (:) : هنگامی که سخنی را از کسی بیان می کنیم از نشانه (:) استفاده می کنیم و سخن آن شخص را داخل گیومه قرار می دهیم.

پدر گفت : « باید به خدا توکل کنید » .

علامت سوال (؟) در پایان جملات پرسشی استفاده می شود .

از کدام راه آمدی ؟

سه نقطه (...) : زمانی که جمله هنوز ادامه دارد و قسمتی از آن حذف شده است .

ایران شاعران زیادی دارد ، مانند سعدی ، حافظ ، فردوسی و .....

✓ **ضرب المثل:**

جمله ها یا شعرهای کوتاه و زیبایی که دارای پندهای اخلاقی و نصیحت های خوبی برای زندگی است و از گذشته به ما رسیده است. گاهی به جای توضیحات طولانی می توانیم منظور خود را با گفتن یک ضرب المثل زیبا و حاوی نکته و نصیحت بیان کنیم.

گر صبر کنی ز قوره حلوا سازی. جوینده ، یابنده ست.

✓ **کلمات متشابه:**

کلمات هم آوا، کلماتی هستند که مثل هم خوانده می شوند اما مثل هم نوشته نمی شوند و معنی آن ها هم با هم فرق دارد . این کلمات مانند هم خوانده می شوند اما املا و معنی متفاوتی دارند .

خوار : تیغ خوار : حقیر خان : آقا خوان : سفره

من در حیاط بازی می کنم . (حیاط خانه)

جانوران بدون هوا قادر به ادامه حیات نیستند (زندگی)

حتی گاهی دو کلمه مانند هم نوشته و خوانده می شوند اما معنای متفاوتی دارد.

من دیگر سیر شدم . سیر بوی بدی دارد .

✓ **متن هایی که اطلاعاتی به ما بدهد و دانش ما را زیاد کند متن های علمی نام دارند و متن هایی که داستانی است و ادبیات ما را قوی تر می کند متن ادبی نامیده می شود**

✓ **برای نوشتن یک قصه رعایت نکات زیر لازم است.**

- با جمله ها و عبارت های مناسب نوشته خود را آغاز کنید.
- نشانه های نگارشی را در نوشته خود به کار گیرید.
- در نوشته کلمه ها دقت کنید. (اندازه ، فاصله ، اتصال و شکل حروف)
- نوشته خود را بخوانید و پاک نویس کنید.

✓ **هنگامی که افراد صحبت می کنند در حقیقت مطلبی را به شنونده انتقال می دهند. گوینده برای انتقال گفته هایش از جمله استفاده می کند.**

فاطمه ساعت ۲ آمد.

جمله از یک یا چند کلمه ساخته می شود.

جز اصلی جمله **فعل** است.

گاهی جمله فقط از یک فعل ساخته می شود: ⟵رفتم .

جمله بدون فعل جمله کامل محسوب نمی شود . مانند : من به مدرسه .....

✓ **انواع جمله :**

• **جمله خبری:** که در آن خبری می دهیم و در پایان آن نقطه قرار دارد . علی از سفر آمد .

• **جمله پرسشی:** در این جمله در مورد چیزی یا کسی سوالی پرسیده می شود و در پایان آن علامت سوال قرار می گیرد. تو کی به مدرسه رفتی ؟

• **جمله عاطفی:** بیان احساساتی مانند تعجب را در بر می گیرد و در پایان آن علامت تعجب قرار می گیرد . چه هوای خوبی !

✓ **برای نوشتن شعر به صورت قصه باید نکات زیر رعایت شود :**

• با جمله ها و عبارت های مناسب نوشته ی خود را آغاز کنید .

• ترتیب رویدادهای قصه را رعایت کنید

• نشانه های نگارشی را به کار بگیرید .

• یک بار نوشته خود را خوانده و پاک نویس کنید .

- ✓ **گاهی بعضی از کلمه ها از دو کلمه با معنی ساخته می شوند و وقتی با هم ترکیب می شوند یک کلمه ی مرکب با معنی جدید تشکیل می دهند**

کتاب + نامه : نوشته ای که مشخصات کتاب در آن می آید .

کار+ نامه : نوشته ای که نتیجه کار هر فرد در آن می آید .

شناسنامه : نوشته ای که در آن اطلاعات شخصی هر فرد نوشته شود

روزنامه : نوشته ای که در آن اخبار یک روز نوشته می شود

تشویق نامه : نوشته ای که در آن کسی تشویق می شود

تقدیر نامه : نوشته ای که از آن از کسی تقدیر و تشکر می شود

- ✓ **گاهی اوقات شاعر برای زیبایی شعر از کلمات مخفف (کوتاه شده) استفاده می کند.**

کارمت : که برای تو بیاورم

- ✓ **برای مقایسه دو تصویر باید به نکات زیر توجه کنید.**

- با دقت به جزییات تصویرها نگاه کنید
- شباهت ها و تفاوت ها را دسته بندی کنید
- پس از مقایسه ی شباهت ها و تفاوت های تصویرها ، نوشته را جمع بندی کنید
- خوش خط و پاکیزه بنویسید

- ✓ **جمله از یک یا چند کلمه تشکیل می شود و پیام کامل را به شنونده انتقال می دهد.**

به کار بردن کلمه در انواع جمله : رادیو

- امروز رادیو خریدم. (جمله خبری)
- چه رادیوی زیبایی! (جمله تعجبی)
- رادیو را خاموش کن. (امری)
- رادیو را کجا گذاشتی؟ (پرسشی)

✓ **گاهی اوقات دو جمله با یک حرف به هم وصل می شوند و معنی دو جمله را به هم ارتباط می دهند. به این حرف نشانه ی ربط یا پیوند می گویند.**

- در آنجا دست به دعا برداشت . - با خدای خود زمزمه کرد .

• در آنجا دست به دعا برداشت **و** با خدای خود زمزمه کرد .

در این مثال دو جمله بالا با حرف ربط (و) به هم ربط داده شده اند .

✓ **در هنگام تصویر خوانی و نوشتن متن با توجه به تصویر به نکات زیر دقت کنید.**

- سعی کنید آنچه دیده اید را در نوشته ی خود بیاورید .

- به درست نویسی شکل کلمات و املا توجه داشته باشید .

- نشانه های نگارشی را رعایت کنید .

✓ **یاد گرفتیم که حروف ربط دو جمله را به هم ربط می دهند. در درس قبل با حرف ربط (و) آشنا شدیم .**

به جمله های زیر دقت کنید:

خیلی دنبال کتابم گشتم .

آن را پیدا نکردم .

• خیلی دنبال کتابم گشتم ، اما آن را پیدا نکردم .

با کلماتی مانند (اما – ولی) نیز دو جمله به هم ربط داده می شوند و مفهوم دو جمله در مقابل هم است . یعنی جمله دوم مفهوم بر خلاف جمله اول دارد.

✓ **خود+ باور** : به کسی می گویند که به توانایی های خودش آگاهی و باور دارد.

- **خود + بین** : کسی که فقط خودش را می بیند و به دیگران و توانایی های آن ها توجهی ندارد.
- **خود + دار** : کسی که مراقب رفتار خودش است و از کارهای بد دوری می کند .

✓ **هر داستان دارای عناصری است:**

- شخصیت های داستان : کسانی که در آن داستان از آن ها نام می بریم .
- زمان : منظور زمانی است که داستان در آن اتفاق افتاده است
- مکان : منظور مکانی است که داستان در آن اتفاق افتاده است
- اتفاق های داستان : ماجراهایی که باعث شکل گیری داستان شده است
- نتیجه : ما از هر داستان به یک نتیجه می رسیم آنچه از داستان آموخته ایم نتیجه داستان است .

✓ **برای بازنویسی شعر به صورت داستان :**

- سعی کنید خودتان را به جای شخصیت داستان قرار دهید .
- در بیان توصیف از احساس و عاطفه ی خود استفاده کنید.
- انتخاب کلمه ی مناسب نوشته ی شما را دلنشین تر می کند .

✓ **فعل : کار انجام شده در جمله را فعل می گوییم فعل اصلی ترین بخش جمله است و جمله بدون آن معنای کاملی ندارد.**

آن ها در اتاق خوابیدند. ⟵اصلی ترین بخش فعل آن است یعنی خوابیدند که کار انجام شده را بیان می‌کند.

• جمله بدون داشتن فعل جمله محسوب نمی شود و یک فعل به تنهایی نیز یک جمله محسوب می شود . خندید.

• در جمله ها فعل اصلی ترین بخش جمله است و بقیه واژه ها برای کامل کردن معنای جمله می آیند

بچه ها آمدند. ⟵قسمت اصلی جمله (آمدند) و بقیه برای کامل کردن معنای جمله آمده است.

✓ **در ادامه فراگیری حروف ربط کلمه هایی مانند چون و زیرا نیز دو جمله را به هم ربط می دهد.**

آن ها سریع به خانه رسیدند. خیابان ها خلوت بود .

• آن ها سریع به خانه رسیدند ، **چون** خیابان ها خلوت بود .

دقت کنید که جمله اول مفهومی را توضیح می دهد و جمله دوم دلیلی برای جمله اول بیان می کند .

✓ **در نوشتن خاطره :**

- نوشته خود را با کلمه ها و جمله های مناسب به پایان ببرید

- مکان ، زمان و جزئیات رویدادها (خاطرات) را بنویسید

- طوری بنویسید که خواننده بتواند نوشته ی شما را به خوبی درک و احساس کند

✓ **با ترکیب واژه ها با یکدیگر کلماتی با معنی ساخته می شود . از ترکیب اسم های مختلف با پذیر یا ناپذیر می توان صفت های جدید ساخت .**

در ترکیب با ناپذیر بیان می کنیم که روی کلمه قبل از خودش **نمی توان عملی انجام داد .**

شوق وصف ناپذیر : شوقی که نمی توان آن را توصیف کرد .

دژ تسخیر ناپذیر : دژی که نمی توان آن را تسخیر کرد .

خستگی ناپذیر : کسی که نمی توان آن را خسته کرد یعنی به این آسانی خسته نمی شود .

شکست ناپذیر : کسی که نمی توان آن را به آسانی شکست داد.

باور ناپذیر : چیزی که نمی توان آن را به آسانی باور کرد .

در ترکیب با پذیر بیان می کنیم که **می توان آن عمل را انجام داد.**

نفوذ پذیر : جایی که می توان به آسانی در آن نفوذ کرد .

✓ **هنگام نوشتن داستان با توجه به تصاویر مرتبط به هم :**

- ارتباط بین تصاویر را درک کنید
- نوشته شروع مناسبی داشته باشد
- ترتیب رویدادها رعایت شود .
- پاکیزه و خوش خط بنویسید.
- نشانه های نگارشی را در جاهای مناسب به کار بگیرید .

✓ **بعضی جملات کلمه هایی دارند که توضیحی درباره اسم قبل از خود می دهد.**

پدر به من یک کتاب زیبا داد .

در این جمله کلمه زیبا توضیحی درباره کتاب داده است .

به این واژه ها **صفت** گفته می شود . صفت کلمه ای است که درباره اسم قبل از خودش توضیحی می دهد .
دقت کنید :

معلم مهربان رفت .

کلمه مهربان درباره کلمه ی قبل از خود توضیحی می دهد .

✓ **با اضافه کردن است به دو کلمه و در صورت معنی دادن آن می توانید صفت را شناسایی کنید.**

معلمِ مهربان	معلمِ من
معلمْ مهربان است .	معلمْ من است .
مهربان صفت است .	**من صفت نیست .**

✓ **تصور کنید می خواهید با توجه به یک تصویر از زبان یک پرنده متنی بنویسید .**

- به جزئیات تصویر (رنگ ، نور ، جهت و حرکت و ....) خوب نگاه کنید
- با انتخاب کلمات مناسب ، احساس و عاطفه ی خود را آشکار کنید .
- نشانه های نگارشی را به کار گیرید .
- پاکیزه و خوش خط بنویسید .

✓ **گرداگرد** یعنی دور تا دور

• **لبالب** یعنی پر • **سراسر** یعنی همه جا • **دمادم** یعنی هر لحظه

شکل و ساخت این کلمه ها را دقت کنید . **اسم + ا + اسم**

این کلمات توضیح بیشتری درباره ی مفهوم جمله می دهند و معنای جمله را کامل تر می کنند.

✓ **کلماتی مانند سپس و بعد نیز در دو جمله را به هم پیوند می دهد و به نوعی ترتیب زمانی اتفاقات را نشان می دهد. در واقع جمله دوم در ادامه جمله اول می باشد .**

معلم کتاب را بست ، سپس شروع به قدم زدن کرد .

قدم زدن به ترتیب بعد از بستن کتاب صورت گرفته است .

✓ **توجه داشته باشید هنگامی که داستان یک شعر را به صورت متن می نویسید :**

- داستان شروع مناسبی داشته باشد
- پیام یا محتوای شعر حفظ شود
- نشانه های نگارشی در جای مناسب استفاده شود
- داستان با جمع بندی مناسبی پایان یابد
- نوشته ی خود را پاک نویس کنید .

✓ **به فعل های زیر دقت کنید .**

مریم خورد. در این جمله می توانید از فعل بپرسید مریم **چه چیزی را** خورد ؟ برای این که پیام جمله کامل شود به کلمه یا کلمات دیگری نیاز داریم که جوابی برای این سوال است .

مریم **سیب** را خورد.

مادر گلدان را آورد .

چه چیزی را آورد ؟

گلدان را (گلدان که جواب این پرسش انجام شده است نقش مفعول دارد و را نیز نشانه **مفعول** است)

✓ **مفهوم همه فعل های استفاده شده در جمله نیازی به کامل شدن با مفعول ندارند .**

هوا سرد شد .

در این جا نمی توان از فعل پرسید **چه چیزی را / چه کسی را**

علی دفتر را برداشت .

این جمله از سه قسمت تشکیل شده است .

• یک قسمت اصلی که می دانیم **فعل** جمله است یعنی **کاری که انجام شده است.**

• یک قسمت دیگر **انجام دهنده کار** است که به آن **فاعل** می گویند.

• قسمت سوم کلمه یا کلماتی هستند که مفهوم فعل را کامل می کنند . **کلماتی که کار بر روی آن ها انجام می شود** و به آن **مفعول** می گویند.

لیلا دوستش را دید .

لیلا : فاعل

دوستش : مفعول

دید: فعل

✓ **کلمه هایی مانند اول ، دومین ، سوم ، نخست ، آخر ، ابتدا باعث می شود که مطالب کل متن به هم مرتبط شوند و ترتیب زمانی را نشان می دهد .**

اول بهار زیبا و دل انگیز قلم به دست گرفت .

دومین نقاش تابستان گرم دست به کار شد .

✓ **از ترکیب اسم با (زار) ، واژه هایی با معنی جدید ساخته می شود .**

سبزه زار : جایی که پر از سبزه است .

چمن زار : جایی که آن چمن فراوان روییده است .

نمک زار : جایی که در آن زمین نمک وجود دارد .

نی زار : جایی که نی فراوان روییده است .

گندم زار : جایی که در آن گندم می روید .

گل زار : جایی که در آن گل فراوان روییده است .

هرگاه **زار** به انتهای کلمه ای اضافه شود ، کلمه ای جدید ساخته می شود و از مفهوم آن (جایی که چیزی به طور فراوان در آن وجود دارد) درک می شود.

✓ **در ترکیب کلماتی که آخر آن (ه) صدای ـِ دارد اتصال با ی صورت می گیرد .**

مانند: پنجه ی صیاد -کله ی موش

در کلماتی که صدای آخر آن ها (آ) است نیز هنگام ترکیب به ی نیاز داریم .

ترس ها = ترس های نادرست

در کلماتی که آخر آن صدای ه شنیده می شود و سایر کلمات اتصال با کسره صورت می گیرد .

شاهِ وحوش – روزِ دگر

✓ **هنگام ادامه دادن یک نوشته و کامل کردن آن :**

- سعی کنید ارتباط بندهای نوشته با بخش آغاز آن حفظ شود

- نشانه های نگارشی را به جا و مناسب استفاده کنید

- با جمله ها و عبارت های مناسب نوشته را به پایان ببرید

✓ **اصلی ترین بخش جمله فعل است. یک جمله گاهی از دو قسمت ساخته می شود. لیلا رفت.**

گاهی برای کامل شدن مفهوم جمله نیاز به کلمات دیگری است.

علی گذاشت

علی کتاب را گذاشت

علی کتاب را روی میز گذاشت

✓ **گاهی در واژگان اضافه کردن (بی) معنای آن را متضاد می کند .**

کار : بی کار

هنر : بی هنر

✓ **هنگامی که بخواهیم درباره یک موضوع با روش پرسشگری مطلبی بنویسیم :**

- موضوع را دوست دارید ، انتخاب کنید .
- چند پرسش درباره موضوع بنویسید .
- پاسخ های نوشته شده را به ترتیب شماره گذاری کنید
- نوشته را بازنگری و پاک نویس کنید .

✓ **بیننده** : شخصی که چیزی را می بیند

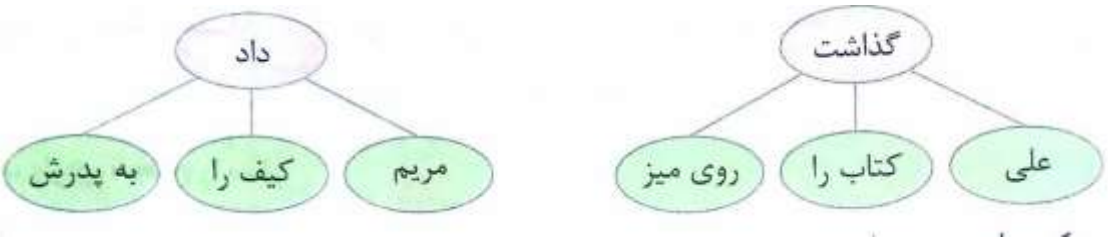
گوینده : شخصی که چیزی را می گوید

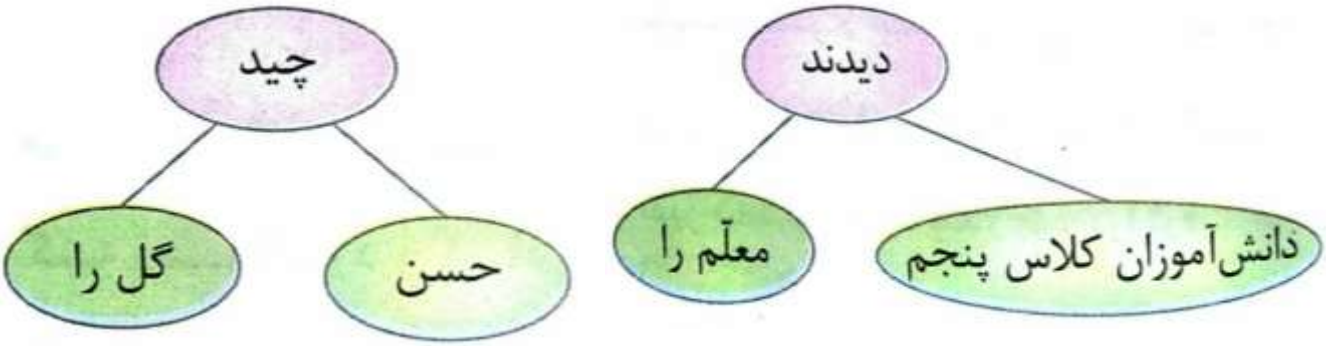
شنونده : شخصی که چیزی را می شنود

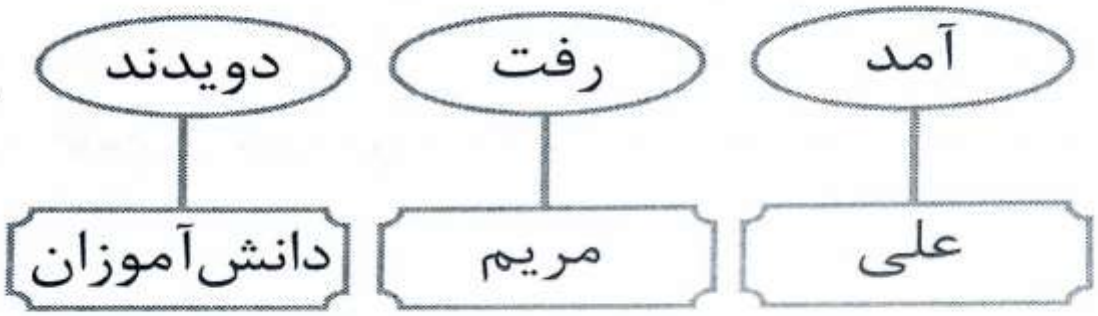
نویسنده – خواننده – راننده

این چنین کلماتی با ترکیب نده ساخته می شوند به معنی شخصی هستند که در حال انجام کاری می باشد .

✓ در هر نمودار قسمت بالایی قسمت اصلی جمله یعنی فعل و قسمت پایینی برای کامل کردن معنای جمله است.







دانش زبانی پایه پنجم

درس اول

فعل : کلمه ای است که انجام گرفتن کاری یا روی دادن حالتی در زمان گذشته ، حال و آینده را نشان می دهد . به عبارتی مفهوم جمله با فعل کامل می شود و با نبودن فعل جمله ناقص می شود . کلمه هایی مانند شد ، است ، گشت و.... همگی فعل هستند و یک جمله حساب می شوند

برای مثال در جمله : محسن و رضا سال آینده به مشهد خواهند رفت . کلمه خواهند رفت فعل است . و اگر فعل خواهند رفت از جمله حذف شود جمله ناقص می شود و مفهوم نخواهد داشت .

فاعل : کننده ی کار است و واژه ای است که انجام دادن کاری را به آن نسبت می دهیم مانند سارا به مدرسه رفت . فعل رفت را سارا انجام داده است بنابراین سارا کننده کار یا فاعل است .

برخی فعل ها مانند رفت و دید و شنید که از یک بخش یا یک قسمت ساخته شده است را فعل ساده می گویند و بعضی فعل ها از چند بخش ساخته شده است را فعل غیر ساده می گویند مانند پراکنده ساخت .

برای تشخیص می توان بین دو قسمت را اضافه کرد . پراکنده ساخت : پراکنده را ساخت معنی ندارد – فعل غیر ساده

صفت : کلمه یا گروهی از کلمات که قبل یا بعد از اسم می آیند و درباره آن اسم توضیحی داده یا حالتی را بیان می کند

ساسان گل زیبایی را به مادرش داد کلمه زیبا بیان کننده توضیحی درباره اسم (گل) است و صفت می باشد.

کلمه های مخالف: یا متضاد کلمه هایی هستند که معنی آن ها عکس یا ضد هم باشد .

طلوع : غروب ظالم : عادل حکیم : نادان آشکار : نهان

برای تشخیص این کلمه ها لازم است معنی هر دو کلمه را خوب بدانیم و آن وقت از روی معنی به مخالف یا متضاد بودن آن ها پی ببریم .

الف) او شب آمد و روز رفت . ب) در پاییز شب ها بلند اما در تابستان روزها کوتاه

دو واژه شب و روز و دو واژه ی بلند و کوتاه از نظر معنی مخالف (متضاد) هستند

فعل ها هم می توانند تضاد را بوجود آورند .

اگر بروید یا نروید باغبانی نیست . فعل بروید (روییدن) و نروید (نروییدن) با هم مخالف هستند

همه واژه ها در زبان فارسی مخالف ندارند مثلا واژه هایی مانند کتاب ، میز و .... مخالف ندرند . گاهی یک کلمه دارای چندین معناست و به همین ترتیب شامل چند واژه های مخالف هم می شوند . در این صورت باید به صورت ترکیب و همراه یک کلمه دیگر باشد .

مخالف واژه ی راست در ترکیب سمت راست می شود سمت چپ

مخالف واژه ی دروغ در ترکیب حرف دروغ می شود حرف راست

نکات نگارشی :

هدف از تصویر نویسی در این بخش دقت و توجه لازم به جزئیات تصاویر (رنگ ، شکل ، اندازه ، جهت و نور و....) است تا بتوان از دل تصاویر موضوعاتی را مشخص و سپس از بین موضوعات مشخص شده ، یک موضوع را انتخاب کرد . علاقمندی به موضوع هم در نوشتن موثر است . گاهی لازم است در ارتباط با تصاویر یا موضوع شنیداری ، صداهایی در ذهن مجسم کرد و درباره آن چند بند نوشت . باید توجه داشت جزئیاتی را که در تصویر دیده ای و یا در صدا شنیده ای را در نوشته ی خود بیاوری . فراموش نکنید که علائم نگارشی را هم به صورت مناسب و صحیح در نوشته ها بکار ببرید.

حروف ربط :

کلمه هایی هستند که به تنهایی معنای کاملی ندارند اما برای پیوند دادن دو جمله به کار می روند .

به کتاب فروشی رفتم تا او را ببینم (تا دو جمله را به هم پیوند داده است)

حروف یا نشانه های ربط عبارتند است : تا – اگر – زیرا – وقتی که – که – چون – سپس – بعد – ولی و....

چو و چون در صورتی که معنی زمانی که و وقتی و اگر بدهد حرف ربط است .

چو ایران نباشد تن من مباد . (اگر ایران نباشد .....) حرف ربط است

اگر چو و چون به معنی مثل و مانند باشد حرف ربط نیست مانند . چون شیر شجاع باش (مانند شیر ...) حرف ربط نیست.

درس دوم

گاهی شاعران ، احساسات خود را در نوشته های زیبا و آهنگین بیان می کنند به این گونه نوشته ها که معمولا شکل خاصی دارد و در آن ها از زیبایی های ادبی هم استفاده می شود شعر می گویند . ما از خواندن شعر شاعران لذت می بریم و هر یک شعرها یا بیت هایی را به یاد داریم که آن ها را در گفته ها و نوشته های روزانه خود به کار می بریم. گاهی اثر یک بیت شعر در خواننده یا شنونده از چند مطلب بیشتر است . برای این که شعرهای کتاب را درست بخوانیم و منظور و مقصود شاعران را درک کنیم باید به چند نکته توجه داشته باشیم :

- کلمه ها را صحیح تلفظ کنیم
- اگر کلمه ای را نمی دانیم از دیگران بپرسیم و هر جا لازم شد از فتحه یا کسره یا ضمه استفاده کنیم تا اشکالی در خواندن پیش نیاید
- در نحوه خواندن کلمه ها و مصراع های شعر مهارت پیدا کنیم .

در بیت جز در تو قبله نخواهیم ساخت گر ننوازی تو که خواهد نواخت

دو کلمه ساخت و نواخت هم وزن و هماهنگ هستند . اخت در هر دو مشترک است . به این کلمه ها قافیه می گویند

مفعول : کلمه ای یا چیزی که روی آن کار انجام شده است . آرش کتاب را برداشت. آرش (چه چیزی را / چه کسی را) برداشت .

کتاب مفعول و علامت مفعول **را** می باشد

نکات نگارشی :

بازگردانی شعر : هر شعری پیام و مفهوم خاصی دارد . اگر پیام شعر را دریابیم می توانیم با آن ارتباط برقرار کنیم و شاعر با سرودن شعر پیامی را به دیگران منتقل می کند و هر بیت یا مصراع ممکن است مفهوم و معنی ویژه ای داشته باشد . مثلا فردوسی در شعر توانا بود هر که دانا بود اهمیت دانش و علم اندوزی را بیان می کند اما هر بیت یا مصراع دیگر این شعر پیام دیگری هم دارد .

در تبدیل شعر به قصه باید نکات زیر رعایت شود :

- برای این که پیام شاعر را درک کنیم لازم است علاوه بر درست خواندن کلمه ها معنی آن ها را بدانیم
- گاهی نظم جمله ها در شعر برای حفظ آهنگ آن رعایت نشده است و کلمه ها به طور منظم در جای خود قرار نگرفته اند بنابراین لازم است ابتدا آن ها رامرتب کنیم و به صورت جمله های صحیح در آوریم . مثلا بحر آفرید وبر و درختان و آدمی که یک جمله است و اگر مرتب شود به این صورت در می آید : دریا و خشکی و درختان و آدم ها را آفرید

- گاهی نیز کلمه ها به صورت کوتاه شده یا مخفف در شعر به کار می رود که به صورت کامل در معنی نوشته می شود .

شاخ برهنه پیرهن نو بهار کرد پیرهن مخفف کلمه پیراهن است

- موضوع اصلی شعر و شخصیت های آن را حفظ کنیم
- زمان و مکان رویدادها و اتفاق ها را بیان کنیم
- در بیان رویدادها جزئیات دقیق را بنویسیم

لحن و آهنگ :

وزش باد ، حرکت آب ، به هم خوردن برگ درختان و... هرکدام صدا و آهنگ ویژه ای را به خاطر ما می آورد .

اگر برای کسی متن تبریک بخوانیم یا متن تسلیت لحن خواندن در هر کدام فرق می کند

لحن ستایشی : این لحن مربوط می شود به شعرهایی که درباره ستایش پرودگار است مانند ای همه هستی ز تو پیدا شده

لحن حماسی : در وصف دلاوری ها و پهلوانی هاست که بسیار استوار و محکم سروده می شود مانند شاهنامه فردوسی

لحن وطنی : این شعرها درباره وصف وطن است و در آن از احساسات وطنی بهره گرفته می شود

لحن جمله ها :

جمله خبری : جمله ای که یک خبر را بیان می کند و پایان آن نقطه است .

جمله پرسشی : جمله ای که درباره یک کاری یا چیزی سوالی می پرسد و پایان آن علامت سوال است ؟

جمله امری : جمله ای که در آن مفهوم فرمان و دستور و امر و خواهش باشد یا نهی و بازداشتن و پایان آن نقطه است .

جمله عاطفی : جمله ای که در آن یکی از عواطف انسان مانند آرزو ، تعجب ، امید ،نفرین ، دعا و.... را بیان می کند و در پایان علامت ! دارد .

درس سوم

به کلمه هایی که با آن کسی یا حیوانی را نام می بریم اسم می گوییم .

واژه های ساده : واژه هایی هستند که از یک جزء معنی دار ساخته شده اند و نمی توان آن را به قسمت های مختلف معنی دارد دیگری تقسیم کرد . مانند کتاب – گل

واژه های غیر ساده (مرکب) :

- واژه هایی هستند که از دو کلمه ساده با معنی ساخته شود مانند نمایش + نامه = نمایش نامه
- واژه هایی هستند که از یک کلمه ساده ی معنی دار و یک یا چند قسمت معنی ساز تشکیل شده اند : گل + دان = گلدان
- به واژه های زیر توجه کنید .

زرگر – رفتگر – کارگر – شناگر پرودگار – روزگار – آموزگار

این کلمات از یک جز معنی دار + یک جز بی معنی ساخته شده اند . در این واژه ها با افزودن یک جزء بی معنی به پایان یک جزء معنی دار واژه ی جدید با معنی ساخته شد .

جزء معنی دار + جزء بی معنی = کار + گر = کارگر روز + گار = روزگار

پس اگر کلمه یا بخشی که به خودی خود معنی خاصی ندارد با کلمه ی دیگری ترکیب شود معنی جدیدی به آن کلمه می دهد .

پسوند گر به جز معنی دار می چسبد: بیان صفت شغلی : مس + گر بیان مبالغه و زیاده روی ستم + گر = ستمگر

پسوند گار به جز معنی دار می چسبد: به اسم می‌چسبد: یاد + گار : یادگار به بن فعل می‌چسبد: آفرید+ گار= آفریدگار

نکات نگارشی:

خاطره نویسی : یکی از انواع نوشتن است که در آن نویسنده رویدادهای روزانه خود یا شرح رویداد خاصی را که زمانی برایش اتفاق افتاده یا شاهد آن بوده است بازگو می کند . هنگام گفتن یا نوشتن خاطره به همه نکاتی که خاطره نیاز دارد باید اشاره کرد . خاطره نوشته ای شخصی است که معمولا زیبا و عاطفی و پرجاذبه است .

در خاطره نویسی زبان باید ساده و صمیمی باشد تا خواننده با آن بهتر ارتباط برقرار کند و بیشتر احساس نزدیکی کند

در نوشتن خاطره نکات زیر را رعایت می کنیم :

- زمان خاطره را مشخص می کنیم (روز – شب – صبح – و...)
- مکانی که در آن خاطره اتفاق افتاده است
- شخصیت هایی که در خاطره حضور دارند

درس چهارم

زبان چهار اصل دارد : گوش دادن – سخن گفتن – خواندن – نوشتن

از راه گوش دادن و خواندن منظور دیگران را در می یابیم .

از راه سخن گفتن و نوشتن دیگران را از منظور خود آگاه می کنیم

یکی از راه های درست فهمیدن و درک سخن دیگران خوب گوش دادن است . گوش دادن با شنیدن فرق دارد . هم اکنون که در کلاس نشسته اید صداهایی از بیرون به گوشتان می آید این شنیدن است یعنی این صداها را می شنویم اما از میان همه ی صداها فقط به صدای معلمتان توجه می کنید این گوش دادن است یعنی فقط به یک صدا دقت می کنید و هدفی دارید .

خوب گوش دادن یعنی یک شخص با میل و اراده ی خودش به یک صدا دقت می کند و از میان دیگر صداها فقط آن را انتخاب می کند از آن صدا چیزهایی را یاد می گیرد و اگر لازم شد به آن پاسخ می دهد

خوب گوش دادن یک مهارت است و به تمرین زیادی نیاز دارد . ما بخشی از سواد و دانش خود را از راه خوب گوش دادن به دست می آوریم . پس باید بیشتر گوش بدیم و کم تر حرف بزنیم .

گوش دادن ابزار یادگیری و یک اصل مهم در یادگیری و بخش جدایی ناپذیر مهارت زبانی است . تقویت گفتار نیاز به خوب گوش دادن دارد . همانطور که نوشتن کلمه ها به طور صحیح لازمه تلفظ صحیح است . به همان اندازه که درک خوانده ها مهم است . درک شنیده ها نیز اهمیت دارد . از طرفی گوش دادن یک منبع مهم کسب اطلاعات است .

انواع گوش دادن :

- گوش دادن حاشیه ای مثل گوش دادن به موسیقی هنگام رانندگی یا روزنامه خواندن
- گوش دادن با دقت مثل گوش دادن به سخنان معلم در کلاس
- گوش دادن فعال که شنونده در حال تبادل نظر و تعامل با گوینده است
- گوش دادن انتقادی که ضمن گوش دادن به تجزیه و تحلیل و بحث در مورد حرف های گوینده با او می پردازیم

بازنویسی :

در بازنویسی باید به اصل ساده نویسی و کوتاهی جملات دقت کرد . از کلمه ها و عبارت های امروزی استفاده کنیم تا مطالب قابل فهم و درک باشند . نوشته ی ما باید اجزای اصلی چیزی را که درباره ی آن می نویسیم در برگیرد .

در کار بازنویسی نویسنده سعی می کند اول و آخر قصه عوض نشود و ترتیب ماجراها و صحنه های قصه به هم نخورد.

توجه به نکات زیر ضروری است :

- متن را با دقت بخوانیم تا به درک و دریافت موضوع مورد نظر دست یابیم
- درباره معنا و مفهوم موضوع فکر کنیم تا بتوانیم آن را تجزیه و تحلیل کنیم
- اگر معنای کلمه ای را نمی دانیم بپرسیم یا از واژه نامه استفاده کنیم
- کلمات و جملات را به زبان ساده امروزی بنویسیم

هم و نیز از نشانه های ربط هستند .

نیز به معنی هم و هم چنین برای بیان اشتراک (شرکت داشتن دو چیز یا دو کس در کاری) به کار می رود

هم به معنی نیز برای بیان اشتراک به کار می رود

بازرگان زندگی خوب و آرامی داشت فرزندان در کنار پدر و مادر فضای گرم و پر مهری داشتند

بازرگان زندگی خوب و آرامی داشت ، فرزندان هم در کنار پدر و مادر فضای گرم و پر مهری داشتند

محمد به حسین گفت من از درس معلم مطالب بسیاری آموختم علی حرف های محمد را تایید کرد

محمد به حسین گفت من از درس معلم مطالب بسیاری آموختم علی نیز حرف های او را تایید کرد

درس پنجم

کلمه های غیر ساده (مرکب): کلمه ای است که از دو یا چند قسمت تشکیل شده است که هر قسمت به تنهایی معنای مستقلی دارد اما وقتی کنار هم قرار می گیرند معنای آن ها متفاوت می شود و کلمه جدیدی را می سازد .

خار : گیاهی که دارای شاخه های باریک و نوک تیز بن : ریشه – انتها – اساس

خاربن : بوته ی خار

راه + آهن : هر کدام معنای مستقلی دارند و تشکیل کلمه ای می دهند که معنای متفاوتی دارد راه آهن

گلاب پاش گل + آب + پاش هر کدام معنای مستقلی دارد

قصه نویسی:

قصه قالبی ادبی است که نویسنده به وسیله ی آن حرف و پیام خود را به صورت ماجرا و حادثه هایی که بطور منطقی به دنبال هم می آیند به مخاطبش عرضه می کند . پشت سر هم بودن حادثه های قصه عامل عمده ی انتظار آفرینی و ایجاد کشش در خواننده است . خیال نقش عمده ای در ساخت قصه دارد .

گاهی شاعران و نویسندگان در شعر و سخن خویش ، صفت و حالات انسان را به غیر انسان نسبت می دهند به درس کدو بن توجه کنید . در این درس شاعر به غیر انسان صفت و حالات انسانی داده است و خواننده را غرق در لذت ادبی کرده است .

وقتی که یک داستان را می خوانیم یا می شنویم متوجه می شویم که در آن داستان برای شخصیت هایی در زمان و مکان خاص اتفاق های گوناگونی می افتد و خواننده در پایان داستان یک پیام کلی دریافت می کند بعضی از عناصر داستان عبارت است از : شخصت های داستان ، زمان ، مکان ، اتفاق های داستان و نتیجه گیری داستان

- شخصیت یا شخصیت های داستان : شخص یا حیوان یا هر چیز دیگری است که در داستان حضور دارد و داستان از آن ها حکایت می کند
- زمان : زمان و هنگامی است که داستان در آن اتفاق می افتد
- مکان : جا و محلی است که داستان در آن اتفاق می افتد
- اتفاق های داستان : اتفاق و رویدادهایی هستند که در زمان و مکان مشخص روی داده اند
- نتیجه : پایان هر داستان نتیجه و پیامی دارد و جمع بندی دارد
- حفظ موضوع اصلی و انتخاب نام مناسب

درس ششم

اهمیت زبان فارسی : ما برای بیان مقصود خود از زبان استفاده می کنیم و زبان وسیله ای است که انسان ها با آن با دنیای بیرون و با هم ارتباط برقرار می کنند

زبان وسیله ارتباط اجتماعی و بیان اندیشه است . زبان هر ملت بیان فکر و اندیشه آن ملت است . زبان فارسی بوجود آورنده وحدت مردم این سرزمین است و همه اقوام مختلف را به هم پیوند می دهد .

زبان های مختلفی در جهان و ایران وجود دارد . مثل انگلیسی وآلمانی ، ترکی و لری و.... . زبان هویت هر ملت است و هیچ کشور و ملتی را نمی توان یافت که زبان مخصوص به خودش را نداشته باشد . اگر انسان از زبان بی بهره بود نه می توانست به تفکر بپردازد نه هیچ علمی به دست می آورد و نه فکر و علم خود را به دیگران منتقل می کرد . زبان فارسی ، زبان ملی کشور ماست و همه اقوام و مردم سراسر میهن را به هم پیوند می دهد و باعث وحدت و یکپارچگی ما و قدرتمندی ایران عزیز می شود .

نکات نگارشی :

بیان احساسات از راه شنیده ها : گاهی از شنیدن بعضی از مطالب و اشعار احساس خاصی به انسان دست می دهد . مثلا هر ایرانی با شنیدن سرود ملی کشورمان احساس غرور و سربلندی می کند و یا با شنیدن لالایی مادر احساس امنیت و آرامش می کند

پس هر صدایی نمایانگر احساس خاصی (شادی ، غم ، اندوه ، خشم و .... است) و یا خاطره ای را در ذهن ما زنده می کند .

هر گاه خواستید احساس خود را درباره صدایی که شنیده اید به نگارش درآورید :

- یک بار صدا در ذهن خود مرور کنید
- نوع احساس خود (شادی ، اندوه ، خشم و...) را مشخص کنید
- علت به وجود آمدن آن حس را بنویسید

سرود ملی نشان افتخار ، استقلال و عظمت یک کشور است . سرود ملی هر کشوری به زبان ملی و رسمی آن سرزمین نوشته و خوانده می شود . سرود ملی ایران عزیز ما به زبان فارسی است . زبان فارسی زبان ملی کشور است . وقتی همه ایرانیان در برابر پرچم سه رنگ و زیبای خود بر پا می ایستیم سرود ملی را به زبان فارسی و با احترام زمزمه می کنیم .

زبان فارسی مانند پرچم ما همه اقوام و مردم سراسر میهن را به هم پیوند می دهد و باعث وحودت و یکپارچگی ما و قدرتمندی ایران عزیز می شود . هر یک از زبان های مادری و محلی وطن ما گنجینه ای با ارزش هستند که در کنار زبان فارسی به رشد فکری ما کمک می کند .

کاربرد حرف میانجی گ

اگر واژه ای با ه غیر ملفوظ (ه که خوانده نمی شود و صدای کسره ـِ می دهد) پایان بپذیرد به هنگام پذیرفتن ی ، گ میانجی (کمکی) می گیرد . مانند : سازنده + ی = سازندگی پاینده + ی = پایندگی

یعنی کلماتی که نشانه ه در آخر آن ها صدای ـِ می دهند هنگام افزودن ی یا ان ه حذف شده و به جای آن گ قرار می گیرد.

اگر کلمه ای به ه ملفوظ (ه که خوانده می شود) پایان بپذیرد به هنگام پذیرفتن ی و گ میانجی نمی گیرد مانند :

ماه + ی = ماهی راه + ی = راهی

قافیه : قافیه در هر شعر به کار می رود . قافیه قسمت تکرار شونده از کلمه هایی است که در شعر تکرار می شود به عبارت دیگر قافیه کلمه هایی هستند که در آهنگ و حرف آخر با هم مشترک باشند .

قافیه ها در آخر بیت ها می آید مانند کلمه های دانا و برنا در بیت زیر :

توانا بود هر که دانا بود ز دانش دل پیر برنا بود

برای کلمه های مفرد یا غیر جمع از ان و ها و ات استفاده می شود مانند:

درخت + ها : درخت ها

درخت + ان : درختان

خطر + ات : خطرات

کلمه های عربی را با ات جمع می بندند .

درس هشتم

میهن دوست ، انسان دوست ، خدا دوست و.... هریک از این واژه ها از دو جزء معنی دار ساخته شده اند به این دسته از واژه ها واژه های غیر ساده می گویند .

وطن + دوست = وطن دوست کسی که وطن خود را دوست دارد

واژه ی وطن دوست از دو جزء معنی دار ساخته شده است اسم (جزء معنی دار) + اسم (جزء معنی دار)

شرح حال نویسی :

در شرح حال نویسی نویسنده رویدادهای مهم زندگی خود یا زندگی شخصیت های مشهود دین ، دانش ، تاریخ و ادبیات و.. را شرح می دهند می تواند در این زمینه از کتاب ها ، بزرگترها و یا از فیلم هایی که دیده اید استفاده کنید . یکی از بهترین راه هایی تمرین نویسندگی نوشتن شرح حال است

- شرح حال یا خاطره مورد نظر را می توانید از کتاب هایی در این زمینه انتخاب کنید
- شرح حال یا خاطره مورد نظر را می توانید از بزرگترها بپرسید
- شرح حال یا خاطره مورد نظر می توانید از فیلم هایی که دیده اید انتخاب کنید
- از جزئیات گفته شده در توصیه های نگارشی درس (زمان ، مکان و شخصیت ها) استفاده کنید

درس نهم

فضا سازی در سخن : به جمله کوتاه زیر و جمله گسترش یافته آن توجه کنید .

پدر به مسجد می رود / پدر روزهای جمعه به همراه مادرم به مسجد می رود .

به زودی این کتاب را می خرم/ به زودی پس انداز می کنم و این کتاب را می خرم .

بعد از ظهر بود / بعد از ظهر یکی از روزهای فروردین بود .

همانگونه که در جمله ها دیدید جمله اول با کلمات کمتری نوشته شده و جمله کوتاه اطلاعات کمی به ما می دهد . اما در جمله گسترش یافته اطلاعات کامل تری دریافت می کنیم

پس گاهی با افزودن کلماتی به میان جمله و توصیف و توضیح بیشتر نوشته ها را گویاتر و گیراتر می کنیم . توجه کنید افزودن کلمه های بی ربط به موضوع به میان جمله فضاسازی در سخن نیست بلکه باید کلمات مربوط به جمله باشد و موضوع ما را بیشتر توضیح دهد .

نکات نگارشی :

مقایسه نویسی : در مقایسه نویسی می توانیم تفاوت ها و شباهت های دو یا چند چیز را بیان کنیم . برای مقایسه لازم است :

- هریک از چیزهای مورد مقایسه را جداگانه توصیف کنیم
- با استفاده از ویژگی های توصیف شده تفاوت ها و شباهت های میان آن ها را مشخص کنیم
- علت برتری یکی بر دیگری را بیان نماییم
- در آخر نوشته خود را جمع بندی کنیم

درس دهم

تحسین آمیز ، غرور آمیز ، محبت آمیز ، خیال انگیز ، غم انگیز ، هریک از این واژه ها از یک جزء معنی دار و یک جزء معنی ساز ساخته شده اند :

قسمت یا جزء معنی ساز : قسمت یا بخشی معنا دار است که وقتی با کلمه ی دیگری ترکیب شوند . کلمه ای جدید با معنایی جدید می سازند.

کلمه معنی دار + قسمت معنی ساز تحسین + آمیز = تحسین آمیز خیال + انگیز = خیال انگیز

تلاش موفقیت آمیز : تلاشی که با موفقیت و پیروزی همراه است

لبخندی محبت آمیز : یعنی لبخندی که با محبت و مهربانی آمیخته است

داستان غم انگیز : یعنی داستانی که غم آور است (آمیز یعنی همراه بودن و آمیخته بودن)

وحشت انگیز : چیزی که باعث وحشت می شود

حیرت انگیز : چیزی که باعث حیرت می شود (انگیز یعنی باعث شدن و سبب شدن)

نکات نگارشی:

زندگی نامه نویسی : در زندگی نامه نویسی یکی از رویدادهای مهم زندگی شخصیت های مشهور شرح داده می شود

در نوشتن زندگی نامه

- نام و نام خانوادگی
- محل تولد
- تحصیلات
- فعالیت ها
- آثار

درس یازدهم

کاربرد واژه : به جمله های زیر دقت کنید

اگر بتوانیم حوادث را پیش بینی کنیم هرگز به وحشت نمی افتیم / رویدادها ، پیش آمدها ، حادثه ها

هنوز سایه ی وحشت و خاطره ی هراس انگیز قتل عام از ذهن ما پاک نشده بود . / ترسناک ، وحشتناک ، ترس آور

منظور از این کلمه ها ، کلماتی هستند که معنی و مفهوم یکسانی دارند و می توانیم به جای یکدیگر از آن ها استفاده کنیم . با یادگیری و کاربرد این واژه ها در گفته ها و نوشته های خود می توانیم بهتر صحبت کنیم و منظور و مقصودمان را آسان تر به دیگران بفهمانیم .

نکات نگارشی :

یکی از شیوه هایی است که مهارت در نوشتن را تقویت می کند در خلاصه نویسی باید جزئیات متن را کنار گذاشت و فقط مطالب مهم و اصلی را ذکر نمود

- کلمات تکراری و اضافی حذف می گردد
- جمله های طولانی حذف گردد و گاهی قسمتی از جمله در رساندن مفهوم اصلی نقشی ندارد و به طور کلی زائد است که حذف می گردد
- جمله های کوتاه تر انتخاب شود
- مهم ترین جز یا مفهوم اصلی نوشته انتخاب شود
- از مطالب حاشیه ای خودداری شود
- ترتیب رویدادها حفظ شود
- زمان و مکان و شخصیت ها حفظ شود
- پیام داستان در بند پایانی جمع بندی شود
- نشانه های نگارشی فراموش نشود

درس سیزدهم

خوش نویس : کسی که با خط خوش می نویسد

داستان نویس : کسی که داستان می نویسد

فیلم نامه نویس : کسی که فیلم نامه می نویسد

برنامه نویس : کسی که برنامه می نویسد

به این کلمه ها کلمه های غیر ساده یا مرکب می گویند که از دو قسمت یا دو جز معنی دار تشکیل شده است

ترکیب اسم یا صفت + نویس : اسم + نویس = داستان نویس صفت + نویس = خوش نویس

نکات نگارشی :

ادامه نویسی :در ادامه نویسی باید دنباله ی متن با توجه به موضوع آن نوشته شود .

- متن مورد نظر را با دقت بخوانید
- درباره آن فکر کنید تا در فضای متن قرار بگیرد
- از قوه تخیل برای کامل کردن متن استفاده کنید
- از علائم نگارشی استفاده کنید
- نام مناسبی انتخاب کنید

درس چهاردهم

در ترکیب ها دقت کنید :

هنگام + ـِ + رانندگی سردار + ـِ + لشکر

وظیفه + ی + مردم ترس ها + ی + نادرست

در کلماتی که صدای آخر آن کسره است یعنی ه یا ه صدای ----ِ بدهد و یا ها در پایان داشته باشد و صدای آ بدهد هنگام افزودن کلمه ی دیگر حرف ی میانجی لازم است . شعله ی آتش خدای مهربان

نکات نگارشی :

گزارش نویسی نوعی نوشته است که به وسیله ی آن درباره ی موضوعی خاص اطلاعاتی می دهیم . موضوع گزارش معمولا رویدادی واقعی است . برای گزارش نویسی نویسنده باید موضوع مورد نظر را مشاهده کرده یا از طریق دیگری درباره آن اطلاعات درست و کافی به دست آورده باشد .

- موضوع گزارش را معرفی کنید
- مکان و زمان رویداد را بیان کنید
- جزئیات رویداد را دقیق بنویسید
- گزارش خود را مختصر و کوتاه بنویسید
- فقط به اصل موضوع بپردازید

ترکیب وصفی : اسم را به همراه صفتی که درباره اسم توضیح می دهد ترکیب وصفی می گویند

صفت : کلمه ای که توضیحی درباره حالت و چگونگی اسم می دهد و ویژگی او را بیان می کند . دوست مهربان

برای شناسایی ترکیب وصفی از ترکیب اضافی

- به آخر ترکیب تر اضافه کنیم و در صورت معنی دادن ترکیب وصفی است در غیر اینصورت ترکیب اضافی است
  دانش آموز باهوش = دانش آموز باهوش + تر = ترکیب وصفی
  دوست من = دوست من + تر = ترکیب اضافی
- اگر انتهای ترکیب است اضافه کنیم معنی بدهد ترکیب وصفی است .
  انسان شریف = انسان شریف است = ترکیب وصفی
  کتاب من = کتاب من است = ترکیب اضافی

درس پانزدهم

چو/ چون : یعنی مانند ، همانند ، همچون

دندان هایش چون مروارید سفید است . (مثل – مانند) وقتی می خندد صورتش چون گل سرخ می شود (مثل – مانند)

چو/ چون : یعنی به دلیل ، به سبب ، زیرا ، وقتی که

چون درسش را خوانده بود تشویق شد .(به دلیل این که – چون که)

به موقع به فرودگاه رسید چون زود راه افتاده بود . (به دلیل این که – زیرا که)

همانطور که متوجه شدید واژه ی چون در جمله های مختلف ، معناهای متفاوتی پیدا می کند . برای درک بیش تر باید به مفهوم جمله پی ببریم .

نکات نگارشی :

بازآفرینی : نویسنده در کار باز آفرینی به صورت مستقل عمل می کند و سوژه ی داستانش را از ادبیات عامیانه یا حکایت های قدیمی می گیرد بعد خودش با بهره گیری از ذهن فعال و خلاقش داستان تازه ای می آفریند که فقط از سوژه ی یک اثر قدیمی الهام گرفته است.

برای برگردان شعر به نثر ساده و نوشتن به صورت داستان :

- برای داستان شروع و پایان مناسبی بنویسید
- با استفاده از تخیل بر جذابیت داستان بیفزایید
- نام مناسبی برای داستان انتخاب کنید
- از نشانه های نگارشی مناسب استفاده کنید
- دقت کنید عناصر داستان (شخصیت – زمان – مکان – نتیجه) در داستانی که نوشته اید به درستی بیان شده باشد

درس شانزدهم

در درس چهارم به مفهوم گوش دادن و اهمیت آن پی بردید . اکنون با خوب دیدن که یکی دیگر از راه های یادگیری و دانش اندوزی است آشنا می شوید . ما برای این که محیط اطراف خود را بهتر بشناسیم باید نگاه دقیقی نسبت به آن داشته باشیم .

خوب دیدن . نگاه کردن به پدیده ها و آفرینش خدای بزرگ باعث درک و فهم بهتر ما نسبت به خلقت و آفرینش می شود و شناخت ما را عمیق تر و جامع تر می کند . اگر می خواهیم آموخته هایمان را خوب به کار ببریم لازم است خوب ببینیم و خوب بیندیشیم

دیدن ، نگاه کردن و به ویژه خوب دیدن گام بسیار مهمی برای آشنا شدن با پدیده ها و رسیدن به دانایی است . ببینیم و در دیده ها دقت کنیم شناخت ما دقیق تر و کامل تر می شود .

کلید نوشتن دقیق دیدن است باید به اطراف حساس باشیم و از کنار چیزها به سادگی نگذریم .

دیدن با خوب دیدن فرق می کند دیدن یک مفهوم کلی است و می توان همه چیز را در یک لحظه دید . اما خوب دیدن یعنی به یک چیز به طور دقیق و با اندیشه ی درونی نگاه کردن و مطالب جدید نوشتن

مثل شنیدن کی بود مانند دیدن بر دقیق دیدن و اهمیت آن تاکید دارد یعنی ارزش نگاه عمیق و دقیق و خوب بهتر از شنیدن است.

نکات نگارشی :

تحقیق : به معنی جست و جو برای کسب آگاهی های جدید و حقیقی را با روش علمی است . تحقیق تلاشی است که انسان برای پی بردن به یک حقیقت و کشف یک مجهول و یا یافتن پاسخ یک سوال انجام می دهد .

- انتخاب موضوع : بهتر است موضوع مورد علاقه ی فرد محقق باشد تا انگیزه کافی برای تحقیق داشته باشد
- گردآوری اطلاعات : یکی از روش های گردآوری اطلاعات ، مطالعه و استفاده از منابع (کتاب ، اینترنت و...) است
- یادداشت برداری : یادداشت برداری و خلاصه نویسی نکات مهم و اصلی متن مورد مطالعه یکی از گام های موثر و ارزنده است
- مرتب کردن یادداشت ها : پس از تکمیل ، یادداشت برداری آن ها را طبقه بندی و مرتب کنیم تا بتوانیم از آن ها درست و مناسب در نوشته خود استفاده کنیم
- معرفی دقیق منابع : در پایان کار منابع مورد استفاده (نام نویسنده ، عنوان کتاب ، ناشر

درس هفدهم

بازگردانی شعر به نثر : یکی از کارهای آسان برای تمرین نویسندگی برگردان شعر به نثر است برگردان شعر به صورت نثر به این معنی نیست که هر بیت را توضیح دهیم بلکه باید آن را به کوتاه ترین شکل ممکن اما کاملا گویا و رسا با نثری روشن و امروزی بنویسیم .

توانا بود هر که دانا بود هرکس دانا باشد توانا است

در شعر جای کلمه ها تغییر می کند و نظم و ترتیبی که در نوشته است در شعر رعایت نمی شود .

در جمله نثر و عادی ترتیب کلمات رعایت می شود سلیمان در راهی موری دید

در شعر ترتیب رعایت نمی شود به راهی در سلیمان دید موری

برای بازگردانی شعر به نثر

- موضوع اصلی شعر و شخصیت های آن حفظ شود
- زمان و مکان رویدادها بیان شود
- دربیان رویدادها جزئیات دقیق نوشته شود
- نوشته شروع و پایان مناسبی داشته باشد
- برای جذابیت بیشتر از تخیل استفاده کنید
- از نشانه های نگارشی درست و مناسب استفاده کنید

دانش زبانی و دستور زبان پایه ششم



درس اول

انسان همیشه مقصود خود را به صورت جمله بیان می کند.

جمله به کلمه یا مجموعه ای از کلمه ها گفته می شود که بر روی هم پیام کاملی را از گوینده به شنونده و یا از نویسنده به خواننده می رساند . ما مقصود خود را به صورت جمله بیان می کنیم

مثال : مریم از مدرسه برگشت

نکته : گاهی یک کلمه به تنهایی یک جمله به حساب می آید . خندیدم

نکته : مهم ترین قسمت جمله فعل است

دانش آموزان از جای خود بلند شدند و رفتند (جمه دوم تنها از یک فعل تشکیل شده است)

جمله اول جمله دوم

علی و مهدی با پای پیاده از مدرسه به خانه آمدند

فعل

نکته : در شمارش تعداد جمله ، گاهی با جمله هایی روبرو می شویم که بدون فعل هستند یعنی فعل در آن جمله ها حذف شده است مانند

مرد پرسید : خرگوش را کجا می بری ؟ پاسخ داد : به شهر .

فعل جمله چهارم حذف شده است . به شهر (می برم)

نکته : ندا و منادا هم یک جمله به حساب می آیند

ای دوست بیا تا غم فردا نخوریم

برای تشخیص تعداد جمله : تعداد فعل ها + فعل های حذف شده + شبه جمله + ندا و منادا

دریغا که فصل جوانی گذشت دریغا شبه جمله است

تمام انواع جمله ها دارای دو بخش نهاد و گزاره هستند

نهاد : قسمتی از جمله است که درباره آن خبر می دهیم (صاحب خبر)

گزاره : خبری است که درباره نهاد می دهیم (مهم ترین جزء گزاره فعل است)

نهاد و گزاره می توانند در جمله ، یک یا چند کلمه باشند .

فعل مهم ترین قسمت جمله و مهم ترین قسمت گزاره است

علی از مدرسه آمد . (آمد فعل) علی و حسین از مدرسه آمدند (آمدند فعل)

نهاد گزاره نهاد(گروه نهادی) گزاره

- نهاد + گزاره : مثنوی مولانا ، بهترین شاهد برای سخن دل ماست
  نهاد گزاره

- گزاره + نهاد : گشت غمناک ، دل و جان عقاب
  گزاره نهاد

- گزاره + نهد + ادامه گزاره (نهاد بین گزاره قرار دارد) : پس از ظهور اسلام ، تمدن عظیمی بوجود آمد
  گزاره نهاد قسمت دوم گزاره

جمله ها از نظر معنایی به چند گروه تقسیم می شوند:

جمله ی خبری : جمله ای است که خبری را بیان می کند و مفهوم اطلاع دادن را در بردارد . نشانه ی نگارشی پایان جمله خبری نقطه (.) است

مریم بهترین دوست من است . اکنون خورشید غروب کرده است .

جمله پرسشی : جمله ای است که در آن با پرسش یا سوالی رو برو هستیم . در پایان جمله پرسشس از علامت (؟) استفاده می شود . جملات پرسشی می توانند با کلمه های پرسشی مانند (چرا ، چگونه ، آیا و چه و...) و یا بدون این کلمه ها با تغییر لحن گوینده بیان شود

چگونه می تواند شکر خدا را به جای آورد ؟ (با کلمه پرسشی)

علی امروز به مدرسه نیامد ؟ (تغییر لحن گوینده)

جمله ای امری : جمله ای است که در آن دستور ، خواهش و یا درخواستی را بیان می کنند . در پایان جمله ی امری نیز از نقطه (.) استفاده می شود

خیر و غنیمت شمار ، جنبش باد ربیع . خواهش می کنم از روی صندلی بلند شو.

صورت منفی فعل امر را فعل نهی می نامیم. مزن بر سر ناتوان دست زور

جمله عاطفی : جمله ای که بیانگر احساس و عواطف و یا حالت تعجب و شگفتی می شود

مواردی مانند آرزو ، دعا و نفرین نمونه هایی از جمله عاطفی هستند . در آخر جمله های عاطفی علامت تعجب (!) استفاده می شود .

گاهی برای بیان حالات روحی از یکی از اصوات (وای ، به ، هان ، عجب ، آفرین ، آه ، خوشا ، خدایا ، اف ، هیس و ....) استفاده می شود که می تواند جانشین یک جمله باشد .

ای کاش من یک پرنده بودم ! به به از این هوای تمیز !

افسوس که افسانه سرایان همه رفتند! (بیان تاسف) سپاس باد یزدان دانا و توانا ! (بیان دعا)

ای کاش در امتخان قبول می شدم !(بیان آرزو) عجب هوای خوبی ! (بیان تعجب)

- گاهی برای زیبا و آهنگین شدن شعر ، معمولا جای اجزای جمله تغییر می کند برای نمونه گاهی فعل به جای این که در آخر جمله قرار گیرد در وسط یا آغاز جمله می آید

باز به گردون رسید ناله هر مرغ زار

گاهی هم نهاد جابه جا می شود هرگز نرسد به منزل عشق بی بدرقه تو کاروان ها

جای نهاد آغاز جمله است. برای بدست آوردن نهاد از فعل جمه می پرسیم چه کسی ؟یا چه چیزی ؟ چه کسی نمی رسد؟ کاروان ها

در مرتب کردن اجزای جمله ، نهاد در اول و فعل در آخر جمله قرار می گیرد . یعنی یک شعر یا نثر قدیمی را در ابتدا مرتب می کنیم و بعد نهاد و گزاره آن را مشخص می کنیم

باد بهاری وزید از طرف مرغزار باز به گردون رسید ناله هر مرغ زاد

مصراع اول : باد بهاری از طرف مرغزار وزید (وزید فعل)

نهاد گزاره

مصراع دوم : ناله هر مرغ زار باز به گردون رسید (رسید فعل)

نهاد گزاره

کارگاه نویسندگی : هنگام نوشتن باید به نکات زیر توجه داشته باشیم

- از کاربرد کلمه های گفتاری و شکسته خودداری کنیم
- از تکرار کلمه ها بپرهیزیم
- ساده و خوانا بنویسم

به موصوف و صفت ترکیب وصفی می گویند و به مضاف و مضافه الیه ترکیب اضافی. صفت درباره چگونگی اسم قبل از خودش توضیحی می دهد و به نوعی مشخصات آن را بیان می کند

اگر به آخر ترکیب تر اضافه کنیم و معنی بدهد وصفی است

مانند دوست مهربان + تر = دوست مهربان تر ترکیب وصفی

اگر معنی ندهد اضافی است

مانند راه مدرسه + تر = راه مدرسه تر ترکیب اضافی

درس دوم

در زبان فارسی بین بعضی از کلمه ها ارتباط خاصی برقرار است ، به طور مثال هم خانواده ، متضاد یا مترادف کلمه های هم خانواده کلمه هایی هستند که حروف مشترکی در میان آن ها وجود دارد.

این کلمه ها باید دارای سه حرف مشترک باشند ، سه حرف مشترک آن ها به ترتیب باشد و از لحاظ معنایی به هم نزدیک باشند

علم – عالم – معلم – معلوم (ع ل م)

عمل – عامل – عملیات – معمول (ع م ل)

ترتیب قرار گرفتن حروف در دو مثال بالا با هم متفاوت است .

شغل – شاغل – مشغول (ش غ ل)

طالب – مطلوب – طلاب (ط ل ب)

لطیف – لطف – الطاف – لطافت (ل ط ف)

پس :

- ریشه یا حروف اصلی آن ها یکی است (هم ریشه)
- از نظر معنی کلمه های هر دسته به هم نزدیک هستند
- سه حروف اصلی به ترتیب در کلماتی که در یک خانواده هستند می آید
- همه واژه ها عربی هستند

- در زبان فارسی باید بن مضارع و بن ماضی را ملاک هم خانواده بودن قرار دهیم . کلمه هایی که بن ماضی و بن مضارع آن ها یکسان می باشد هم خانواده هستند
  روان – رفتار – روش – رفته – رونده
- بن ماضی این کلمه ها رفت و بن مضارع رو است و هر دو از مصدر رفتن ساخته شده اند
  دیدار – بینا – بینش – دیده – دیده بان – بیننده هم خانواده هستند چون که بن ماضی دید و بن مضارع بین در این کلمه ها یکسان است و از مصدر دیدن ساخته شده اند

کلمه های مخالف : کلمه هایی که از نظر شکل متفاوت اند و از نظر معنا مخالف یکدیگر هستند

بالا = پایین کم = زیاد

کلمه های مترادف : کلمه هایی که از نظر شکل با هم فرق دارند ولی معنای آن ها به هم شبیه است

غافل = بی خبر سهل = آسان لطف = مهربانی

درس سوم

در زبان فارسی کلمه ها می توانند یک بخشی یا چند بخشی باشند (هجا)

کلمه هایی مانند در ، سر ، گل ، دل ، پر ، رفت ، خورد دارای یک بخش (هجا) هستند. اما کلمه‌های زیادی در زبان فارسی دارای ۲ یا بیشتر از ۲ بخش (هجا) هستند که برای خواندن آن‌ها باید دقت بیشتری کرد.

کلمه های دو بخشی : آمد – سرباز – خواهر – درویش – ترسناک

کلمه های سه بخشی : پشیمان – پادشاه – خوردنی – کارخانه – پاکیزه

نکته : هر حرفی که نوشته می شود اما خوانده نمی شود جز هجا (بخش) محسوب نمی شود. مانند:

خویش : خوانده می شود خیش = یک بخش (هجا) و به حساب نیامده است

خواندن : خوانده می شود خاندن = دو بخش (هجا) و جز هجا به حساب نیامده است

هجا از کنار هم قرار گرفتن چند واج (صدا) بوجود می آید .

برای شناخت هجا (بخش)

- بخش های (هجاهای) زبان فارسی حداقل دو و حداکثر چهار واج (صدا) دارند مانند
  تو = یک بخش دارد و از دو صدا (واج) ت / ضمه
  کارد = یک بخش و از چهار صدا (واجد) تشکیل شده است ک ا ر د

بعضی از کلمه ها در زبان فارسی به یک شکل نوشته می شوند ولی در معانی مختلف و با کمی تفاوت خوانده می شوند.

ملک آن روز سوار بر اسب به شکار رفت (ملک = پاردشاه)

سلطان سلیمان بر ملک عثمانی حکومت می کرد (ملک = سرزمین)

گاهی در خواندن و تشخیص کلمه باید دقت شود.

شاه بازی داشت. بازی آیا به معنای مسابقه است . آیا به معنای پرنده شکاری است

اگر در کلمه های چند بخشی بروی هر بخش مکث کوتاهی کنیم یک معنی بدست می آید . کلمه بازی از دو بخش تشکیل شده است اگر بروی بخش اول یعنی (با) تاکید کنیم معنی ورزش و مسابقه و اگر بروی بخش دوم (زی) تاکید شود معنی پرنده شکاری می دهد.

و یا در این مثال: او هر روزنامه ای می خواند.

تاکید بر بخش اول روز : او هر روز، نامه ای می خواند. تاکید بر بخش دوم نامه ای : او هر روزنامه ای می خواند.

شرح حال: یکی از راه های تمرین در نویسندگی نوشتن شرح حال است. در شرح حال نویسی به این نکته ها توجه می‌شود: **زمان و محل تولد ، محل زندگی ، ویژگی های خلقی و جسمی و وقایع مهم زندگی و ...**

درس چهارم

دانش های زبانی و ادبی

زبان مهمترین وسیله ارتباط بین انسان هاست که خداوند به همه ی انسان ها عطا کرده است.

زبان هر ملّتی ، ابزاری مشترک است که باعث وحدت و یکپارچگی مردم آن کشور می شود و نمایش دهنده ی فرهنگ آن کشور است.

زبان چند چهره (شکل) دارد: یکی «آوا و صدا» یکی «خط» و دیگری« اشاره » است.

آوا و صدا یعنی صداهایی که ما انسان ها به کمک آنها، با یکدیگر صحبت می کنیم و در گفتار ما ظاهر می شود؛ ما صداها را با گوش دادن می فهمیم.

گاهی زبان، به جای گفتن، به شکل اشاره به کار گرفته میشود؛ یعنی ما با علائم و اشاره ها منظور خود را به طرف مقابل می فهمانیم و شبیه بازی پانتومیم است یا زبان ناشنوایان.

سومین چهره (شکل) زبان که سخت ترین آن نیز می باشد خط است. ما از طریق دیدن و کمک چشم با خط آشنا می شویم. هر کلمه، تلفظ، معنی و معمولاً یک شکل نوشتن دارد ؛ اما بعضی از کلمه ها دو تلفظ یا دو شکل و دو یا چند معنی دارند.

نوشتن در اصل به کار گرفتن قواعد و قراردادهای تعیین شده در هر جامعه است.

مثال: الف) لانه کبوتر یا لانهء کبوتر ، کتاب خانه یا کتابخانه

ب) جست و جو یا جستجو، گفت و گو یا گفتگو

جمع کلمه ها : در زبان فارسی برای جمع بستن کلمه ها، از نشانه های جمع استفاده می شود. مانند: ان ، ها، جات

مثال : الف) پرنده پرنده ها ب) دانش آموز دانش آموزان ج) سبزی سبزیجات

البته برخی نشانه های جمع عربی مانند (ات، ون ، ین) نیز در زبان فارسی به کار برده می شود.

مثال: الف) کلمه کلمات ب) سیاره سیارات

ج) معلم معلمین د) روحانی روحانیون

نکته: «ان» همیشه در کلمه نشانه ی جمع نیست. مانند: گریان، باران، زاهدان

نکته: نوعی دیگر از جمع کلمه ها جمع مکسّر است که از هیچ نشانه ای در آن استفاده نمی شود و شکل کلمه تغییر نمی کند.

مثال: الف) ورق اوراق ب) عضو اعضا ج) شهید شهدا

نکته: در بعضی از کلمه ها وقتی «ان» برای جمع بستن به کار برده شود، تغییراتی در کلمه به وجود می آید .

مثال: الف) ستاره + ان ستارگان

ب) خزنده + ان خزندگان

در زبان فارسی دو نوع نشانه جمع وجود دارد : **ها** – **ان** مانند:

کلمه مفرد	نشانه جمع	کلمه جمع	کلمه مفرد	نشانه جمع	کلمه جمع
مرد	ها	مردها	فرزند	ان	فرزندان
درخت	ها	درخت ها	پسر	ان	پسران
کتاب	ها	کتاب ها	بزرگ	ان	بزرگان

نکته : تقریبا همه اسم ها را با نشانه ی ها می توان جمع بست . مانند کاغذها ، روستاها، کشورها

بیشتر جانداران را می توان با ان جمع بست مانند اسبان ، آهوان ، مردان ، دختران و....

توجه : همیشه این گونه نیست که به سادگی نشانه ی جمع ان به واژه ها بپیوندند و بدون هیچ تغییری کلمه جمع ساخته شود . در برخی از واژه ها تغییراتی به وجود می آید تا شکل جمع به دست آید .

الف) اگر کلمه هایی به ه پایان پذیرد و ه صدای کسره بدهد هنگام جمع بستن با ان ، گ میانجی اضافه می شود مانند

کلمه مفرد	نشانه جمع ان	کلمه جمع
واژه	ان	واژگان
رفته	ان	رفتگان
خسته	ان	خستگان

ب) کلمه هایی که به ا یا و پایان می پذیرند هنگام جمع بستن با ان ، ی میانجی به آن ها اضافه می شود مانند

کلمه مفرد	نشانه جمع ان	کلمه جمع
آشنا	ان	آشنایان
دانا	ان	دانایان
دانشجو	ان	دانشجویان

بیشتر بدانید : ان همیشه نشانه ی جمع نیست ، بلکه کاربردهای مختلفی دارد که زیر آورده می شود :

- نشانه ی زمان : بامدادان – سحرگاهان – بهاران
- نشانه مکان : گیلان – دیلمان – سپاهان
- نشانه صفت ساز : گریان – خندان – نالان – دوان

نکته : ات نشانه ی جمع عربی است که در فارسی کاربرد دارد مانند اطلاعات – انتظامات

نکته : جمع بستن واژه های فارسی با نشانه جمع عربی ات از نظر نگارشی ، نادرست است بنابراین جمع واژه های پیشنهادات ،گزارشات ،فرمایشات و آزمایشات اشتباه است و جمع این کلمه های فارسی با نشانه های ها به کار می رود

یادآوری : جمع مکسر ویژه ی زبان عربی است و برای این جمع ها مفرد هم وجود دارد و برخی از آن ها در زبان فارسی هم کاربرد دارد مانند

جمع مکسر	مفرد		جمع مکسر	مفرد
آداب	ادب		اشکال	شکل
آثار	اثر		اعمال	عمل
حکام	حاکم		عقاید	عقیده
احکام	حکم		اسرا	اسیر
حکما	حکیم		حواس	حس
مکاتب	مکتب		ادبا	ادیب
ادیان	دین		انبیا	نبی
سوانح	سانحه		اوامر	امر

درس پنجم

دانش های زبانی و ادبی

به ابزارهایی که شاعر یا نویسنده برای زیبا کردن و اثرگذاری بیشتر نوشته‌اش استفاده می‌کند، «آرایه های ادبی» می‌گویند.

در این درس به دو آرایه ی ادبی به نام «مبالغه» و «کنایه» اشاره شده است.

مبالغه (بزرگ نمایی): وقتی یک موضوع بسیار بزرگ تر از آنچه هست وصف می شود در آن مبالغه شده است.

مثال: الف) مادرم آنقدر گریه کرد که سیل راه افتاد　　زیاد گریه کردن

ب) او با یک دست، کوه را از جای می کند.　　قدرت زیاد

ج) از تعجّب شاخ در آوردم .　　تعجّب بیش از اندازه

کنایه : هنگامی که شاعر یا نویسنده درباره ی موضوعی به طور غیر مستقیم سخن می گوید به آن «کنایه» گفته می شود، یا به عبارتی پوشیده و به رمز سخن گفتن ، که همان پنهان بودن معنای مورد نظر است.

ما باید برای پیدا کردن منظور نویسنده یا شاعر، معنای ظاهری را کنار بگذاریم.

کنایه دو مفهوم دور و نزدیک دارد که منظور گوینده، معنای دور آن است.

مثال: الف) آب در هاون کوبیدن　　کار بیهوده و بی فایده کردن.

ب) در خانه ی او همیشه باز است.　　بخشنده و مهمان نواز است.

ج) دست به دامن شدن　　خواهش و التماس کردن.

۱- **مبالغه (اغراق)** : گاه شاعران و نویسندگان برای افزودن بر تاثیر و قدرت سخن خود ، رویدادها را بسیار بیشتر از آن چه هست توصیف می کنند . به این گونه بزرگ نمایی در بیان حوادث مبالغه می گویند

مثال :

که گفتت برو دست رستم ببند ؟ نبندد مرا دست ، چرخ بلند

در این بیت شاعر در قدرت و توانایی رستم مبالغه کرده است که از نظر عقل ، باور کردنی نیست یعنی روزگار هم نمی تواند دست رستم را ببندد و او را اسیر کند .

خروشید و جوشید و برکند خاک　　ز سمش زمین شد همه چاک چاک

در این بیت شاعر در جوش و خروش (خشم) اسب رستم (رخش) مبالغه کرده است .

بگذار تا بگریم چون ابر در بهاران　　کز سنگ ناله خیزد روز وداع یاران

در مصراع اول در اشک بسیار مبالغه شده و در مصراع دوم در ناله کردن سنگ در جدایی دو نفر مبالغه شده است

نکته : گاهی در بیت یا جمله ای که مبالغه شده است واژه ی صد یا هزار هم می آید مانند

شخصی به هزار غم گرفتارم در هر نفسی به جان رسد کارم

در این بیت شاغر در غم های بسیار مبالغه کرده است

دلم گرفته از این روزها دلم تنگ است میان ما و رسیدن هزار فرسنگ است

در این بیت شاعر در فاصله ی بسیار زیاد بین خود و دوستنش اغراق کرده است

توجه : همیشه صد و هزار دلیل بر مبالغه بودن نیست

هزار نفر از راه رسیدند و صد نفرشان مرد بودند . در این مثال هیچ گونه مبالغه ای وجود ندارد

۲- **کنایه :** در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن است . وقتی درباره مطلبی به طور غیر مستقیم صحبت می کنیم به آن کنایه می گوییم کنایه سخنی است که دو مفهوم دور و نزدیک دارد و مقصود گوینده معنای دور آن است

مثال :

هنوز از دهن بوی شیر آیدش :

- معنای نزدیک : دهن بوی شیر می دهد – معنای دور : بچه بودن

دست از من بردار :

- معنای نزدیک : به من دست نزن یا دستت را بردار – معنای دور : مرا رها کن

پشت پا زدن به چیزی

- معنای نزدیک : با پا ضربه زدن به آن چیز – معنای دور : بی اعتنایی و ترک آن چیز

هر چه باشد او گل است ، گل یکی دو پیرهن ، بیشتر از غنچه پاره کرده است

یکی دو پیرهن پاره کردن :

- معنی نزدیک : پیراهن بیشتر پوشیدن و پاره کردن معنی دور : با تجربه بودن

کنایه های دیگر : پنبه را از گوش در آوردن – دسته گل به آب دادن – زبان کسی مو درآوردن – یک چشم به هم زدن – جان به در بردن – دل از دست دادن

درس ششم

دانش های زبانی و ادبی

گاهی در یک جمله یا شعر یا عبارت، کسی یا چیزی را مخاطب قرار می دهیم یا آن را صدا میزنیم ؛ به این صدا زدن یا فراخواندن «ندا» می گویند.

کسی یا چیزی که به آن ندا داده شود یا او را صدا زده باشند «منادا» نام دارد.

منادا می تواند همراه با نشانه باشد. به این نشانه ها «حروفِ ندا» گفته می شود. مهمترین حروف ندا عبارت اند از:
[« ای،یا، آی ، ألا، أیُّها » قبل از کلمه ی منادا و حرف «ا» بعد از کلمه ی منادا] مانند : ای مرد، یا علی ، سعدیا

نکته: گاهی اوقات ، منادا بدون حرف یا نشانه ی ندا می آید.

مثال : « سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمّد بس است و آل محمد »

گاهی حرف ندا وجود دارد ولی منادا حذف شده است: ای نام تو بهترین سر آغاز (ای خدا، نام تو بهترین سر آغاز)

نکته: تمام حروف ندا قبل از واژه می آیند، به جز «آ» که در آخر واژه می آید.

مثال: سعدیا : سعدی + آ / خدایا: خدا + آ (ی میانجی برای راحت تر خواندن)

نکته: به طور کلی ، هر واژه ای که با آن فردی را مخاطب قرار دهیم منادا است.

مثال: آقای محترم ، خواهر جان ، عزیزم و ...

نکته: منادا به تنهایی ، یک جمله به حساب می آید. **مثال:** الهی ، یکتای بی همتایی.

جمله

برای ندا و منادا نمی توان نهاد و گزاره تعیین کرد. **مثال:** سعدیا! مرد نکونام نمیرد هرگز

جمله ی۱ نهاد گزاره

جمله ی ۲

درس هفتم

دانش های زبانی و ادبی

در ادبیات فارسی آهنگ خواندن یک کلمه می تواند معنای آن جمله را تغییر دهد؛

مثال: گر رسد، دشمنی برای وطن در اینجا دشمنی اشاره به یک دشمن دارد.

مثال: گر رسد دشمنی، برای وطن اما در اینجا اشاره به عمل دشمنی کردن دارد.

به کلمه ای که مورد خطاب قرار می گیرد منادا می گویند مانند :

ای صبا ! گر بگذری بر ساحل رود ارس ای : ندا صبا : منادا

نکته : برای خطاب کردن و مخاطب قرار دادن کسی از نشانه های ندا استفاده می کنیم

نشانه های ندا عبارت اند از : **ای ، یا ، ایا** و **ا** در آخر اسم مانند

ایا شاه محمود کشور گشای یارب حافظا

نکته : گاهی نشانه های ندا از جمله حذف می شود مانند

سعدی ! به روزگاران مهری نشسته بر دل

نکته : نمی توان برای ندا و منادا ، نهاد و گزاره تعیین کرد مانند :

الهی ! عنایت تو کوه است الهی : جمله اول عنایت تو کوه است : جمله دوم

منادا نهاد گزاره

درس هشتم

دانش های زبانی و ادبی

نشانه‌های نگارشی، علامت و نشانه‌هایی هستند که برای آسان تر خواندن و درک و فهم بهتر مطالب به ما کمک می‌کنند.

بعضی از نشانه های نگارشی که کاربرد بیشتری دارند عبارت اند از:

✓ **نقطه (.) :**

- علامت توقف و یا ایستادن در خواندن است. مثال: امروز آسمان صاف است.
- نقطه در پایان همه ی جمله ها به جز جمله های پرسشی و تعجّبی می آید.

مثال: هم اکنون دمای هوا بالا رفته است.

- گاهی نقطه پس از حروفی قرار می گیرد که به عنوان علامت اختصاری کلمه های مختلف به کار رفته اند.

مثال: ه.ق (هجری قمری) ، ق.م (قبل از میلاد مسیح) ، ن.یوشیج (نیما یوشیج) ، م.بهار (محمّد تقی بهار)

✓ **ویرگول، کاما (درنگ نما) (،) :**

- میان عبارت ها یا جمله ها برای جدا کردن کلمه یا عبارت توضیحی به کار می رود و نشانه ی کمی درنگ کردن است.

مثال: دانش آموزان کلاس ششم ، دانش آموزان پر تلاشی هستند.

- ویرگول پس از منادا می آید.

مثال: خدایا، چنان کن سرانجام کار تو خشنود باشی و ما رستگار

- ویرگول بین واژه های هم پایه و به جای «و» می آید.

مثال: مریم، زهرا، سارا و پارمیدا در یک مدرسه تحصیل می کنند.

- ویرگول بین دو کلمه می آید که امکان دارد با کسره ی اضافه خوانده شود.

مثال: آسمان ، آبی دیده می شود.

- ویرگول به جای مکث کوتاه در جمله می آید.

مثال: در تاریخ، انسان های بسیاری بوده اند.

✓ دو نقطه (:) :

- قبل از نقل قول : مثال: لقمان را گفتند: ادب از که آموختی؟
- هنگام برشمردن اجزای یک چیز: مثال: من چند چهره دارم: آوا و صدا، خط و اشاره
- مقابل واژه هایی که می خواهیم آنها را معنی کنیم. مثال: مقصد: هدف

علامت سؤال (؟) :

- در پایان جمله ی پرسشی. مثال: دلا، دیدی آن عاشقان را؟
- برای نشان دادن مفهوم تردید. مثال: وفات حافظ در سال ۷۲۱ (؟) اتفاق افتاد.
- برای مفهوم استهزا یا ریشخند. مثال: او نابغه (؟) است.

✓ علامت تعجّب (!) :

- در پایان جملات تعجّبی، تأکیدی و عاطفی

مثال: الف) عجب روزگاری است! ب) پسرم! هیچ گاه خدا را فراموش نکن!

- پس از صلوات.

مثال: هان! ای دل عبرت بین

✓ گیومه («») :

برای نشان دادن ابتدا و انتهای سخنی که به طور مستقیم از جایی یا کسی نقل می شود. از گیومه استفاده می شود.

مثال: آقا معلّم رو به من کرد و گفت: « ببین پسرم! همه ی این ها دوست تو هستند. »

- اسامی و عناوین و اصطلاحات علمی یا فنّی (فقط برای بار اول) داخل گیومه می آید.

مثال: یکی از زیباترین بخش های شاهنامه «هفت خان رستم» است.

✓ کمانک (()) :

توضیحات اضافه ای که جزء متن نیست، درون کمانک می آید.

✓ نقطه ویرگول (؛) :

● برای جدا کردن جمله هایی که از جهت ساختمان و مفهوم ، مستقل به نظر می رسند؛ ولی در یک عبارت طولانی با یکدیگر بستگی معنایی دارند.

مثال: برای نگارش گزارش خوب باید فکر کرد؛ منابع را جمع آوری کرد؛ فرصت ها را تنظیم کرد و ... .

اگر در یک متن پس از اتمام جمله ای ، جمله ی دیگر نوشته شود که در توضیح بیشتر جمله ی اول باشد از این علامت پس ازجمله ی اول استفاده می شود و معمولاً بین دو جمله و پس از علامت «؛» از واژه هایی مانند (یعنی، مانند، امّا، مثلاً و...) استفاده می شود.

مثال: اسیران جنگی به میهن بازگشتند؛ امّا از تندگویان دلاور خبری نشد.

منظور از نشانه های نگارشی (علائم سجاوندی) ، به کار بردن علامت ها و نشانه هایی است که خواندن و در نتیجه درک معنی و مفهوم متن را آسان می کند.

۱- نقطه : علامت توقف یا ایستادن در خواندن را نشان می دهد و در پایان جمله ها می آید
ابن سینا ، یکی از دانشمندان بزرگ ایران است . (خبری)

۲- ویرگول یا درنگ نما : نشانه ای است که میان عبارت ها یا جمله ها و برای جدا کردن کلمه بین یا عبارت توضیحی یا برای جدا کردن اسم های اشخاص و ... به کار می رود .
بین دو کلمه : ما ، در راه حق ، قدم برمی داریم .
بین عبارت و جمله ها : از راه دوری آمده بود ، از آن سوی بیابان ها .
جدا کردن اسم های اشخاص : فردوسی ، سعدی و حافظ از شاعران توانای شعر فارسی هستند

۳- دو نقطه : پیش از نقل قول ، هنگام توضیح دادن ، شمردن اجزای یک چیز و هنگام معنی کردن کلمه به کار می رود
قبل از نقل قول : حضرت علی (ع) فرمودند : دنیا گذرگاه است نه قرارگاه .
هنگام توضیح دادن کلمه : رمه : دسته ی حیوانات ، گله گاو و گوسفند
هنگام شمردن اجزای یک چیز : آثار شعدی عبارت اند از : گلستان ، بوستان ، غزلیات و ....

۴- علامت سوال : در پایان جمله های پرسشی یا برای نشان دادن شک و تردید یا ریشخند (مسخره کردن) به کار می رود
پرسشی : که بر او هیزم است یا دفتر ؟
برای ریشخند : او بسیار دانشمند (؟) است .
برای شک و تردید : جمعیت ایران از مرز هفتاد و پنج میلیون (؟) گذشت .

۵- نشانه ی بیان عاطفه یا تعجب : در پایان جمله های تعجبی و جمله هایی که یکی از حالت های عاطفی مثل : آفرین ، تاکید ، افسوس ، آرزو ، دعا ، ندا و .... به کار می رود .

دریا قلی ! رکاب بزن ، یا علی بگو .

افسوس ! که عمر بر باد برفت .

۶- گیومه : این نشانه ، در بیشتر موارد برای نشان داد آغاز و پایان سخن کسی به جز نویسنده است که در بین نوشته ی وی آمده است یا برای مشخص کردن و برجسته نشان دادن کلمه یا اصطلاحی خاص به کار می رود

نقل سخن از کسی : پیامبر (ص) فرمودند : « ز گهواره تا گور دانش بجوی ».

ذکر عنوان مقاله ها ، اشعار ، روزنامه ها و ... : باب هشتم گلستان سعدی در « آداب صحبت » است .

۷- سه نقطه : برای نشان دادن جملات و کلمات حذف شده و سخن ناتمام به کار می رود .

آرایه های ادبی ، دستور زبان فارسی و ..... مجموعه ی ادبیات فارسی را تشکیل می دهند .

سخن نا تمام : شما .... خدای نکرده ....

درس نهم

دانش های زبانی و ادبی

روش های استفاده از کتابخانه عبارت اند از:

- از طریق فهرست عناوین (با استفاده از اسم کتاب)
- از طریق فهرست پدید آورندگان (کسانی که کتاب را پدید آورده اند)
- از طریق فهرست موضوعی (با توجه به موضوعی که به دنبال آن هستید)

برای یافتن یک واژه در فرهنگ های لغت، لازم است بدانیم که در تنظیم الفبایی ابتدا حرف اول واژه ها و در صورت یکسان بودن آنها حروف بعدی مورد توجه قرار می گیرد.

مثال: به این کلمه ها دقّت کنید.

(رضایت، راضی، رزمنده، رونق، رشادت)

حالا به تنظیم الفبایی کلمه های بالا توجه کنید.

(راضی ـ رزمنده ـ رشادت ـ رضایت ـ رونق)

ساخت واژه های جدید

در زبان فارسی برای ساختن کلمه ها راه های مختلفی را آموختیم، از جمله ی این راه ها به «ترکیب کلمه ها» می توان اشاره کرد.

یکی از این ترکیبات، اضافه کردن واژه ی «نامه» به پایان کلمه ی دیگری می باشد.

مثال: روز+ نامه = روزنامه یا کار+ نامه = کارنامه

دعوت+ نامه = دعوت نامه یا زیارت+ نامه = زیارت نامه

و یا ترکیبات دیگری مانند اضافه شدن کلمه ی «خانه»

مثال: داروخانه ، کارخانه ، شفاخانه ، قهوه خانه ، چای خانه

دوبیتی

دوبیتی دارای محتوای عاشقانه و عارفانه است و از چهار مصراع تشکیل شده است.

در دوبیتی ها مصراع اول و دوم و چهارم هم قافیه هستند.

مثال:

۱) دلی دیرم خریدار محبّت کز او گرم است بازار محبّت

لباسی دوختم بر قامت دل ز پود محنت و تار محبت

۲) بود درد مو و درمانم از دوست بود وصل مو و هجرانم از دوست

اگر قصابم از تن واکره پوست جدا هرگز نگردد جانم از دوست

تاکنون راه های مختلفی را برای ساختن کلمه در زبان فارسی فرا گرفته اید . یکی دیگر از راه های ساخت کلمه های جدید ، افزودن واژه ی (نامه) به پایان کلمه نخست است.

دعوت نامه زیارت نامه

به مطالبی که برای کسی یا سازمانی بر روی کاغذ نوشته می شود و معمولا در پاکت قرار می گیرد و به وسیله پست به دست گیرنده می رسد نامه می گویند

در دستور زبان فارسی گاهی برای ساختن یک واژه‌ی مرکب (واژه هایی که از دو یا سه جز معنی دار ساخته می شوند) از کلمه نامه استفاده می شود.

شناس + نامه : نوشته ای که اطلاعات و مشخصات شخصی هر فرد در آن نوشته می شود

سفارش + نامه : نوشته ای که در آن از شخصی برای دیگری درخواست انجام کاری می شود

درس دهم

دانش های زبانی و ادبی

قالب های شعری

شعر ها از نظر قالب، انواع گوناگونی دارند که مشهورترین آنها عبارت اند از:

- **غزل:** قالب شعری است که به بیان احساس، عاطفه ، فراق ، جدایی و عشق و عرفان می پردازد و تعداد ابیات آن بین ۵تا۱۵ بیت است.

از غزل سرایان مشهور زبان فارسی می توان به مولوی،سعدی و حافظ اشاره کرد.

- **قصیده:** قالب شعری است که در آن شاعر غالباً به ستایش،نکوهش،وصف طبیعت و مسائل اخلاقی می پردازد. تعداد ابیات آن معمولاً از ۱۵تا۶۰ بیت است. از قصیده سرایان مشهور می توان رودکی،سعدی و ملک الشعرا را نام برد.

غزل و قصیده در شکل قرار گرفتن قافیه شبیه هم هستند ولی تعداد بیت ها معمولا در غزل کمتر از قصیده است

- **مثنوی(دوگانی) :** این قالب شعری از پرکاربرد ترین انواع شعر است. همه ی بیت های قالب مثنوی،وزن یا آهنگ یا ریتم یکسانی دارد. واژه ی مثنوی به معنی «دوتایی» است؛ زیرا مصراع های هر بیت، دوتا دوتا با هم ، هم قافیه هستند و قافیه ی جداگانه ای از بیت های دیگر دارند. از مثنوی برای سرودن داستان های بلند استفاده شده است؛ مانند شاهنامه ی فردوسی، بوستان سعدی و مثنوی مولوی.

قالب شعری غزل: این شکل نمودار قافیه یا همان شکل قرار گرفتن قافیه در غزل می باشد.

× _____ ×_____

× _____ ×_____

× _____ × _____

مثال:

ای پادشه خوبان داد از غم تنهایی / دل بی تو به جان آمد وقت است که بازآیی

دایم گل این بستان شاداب نمی ماند / دریاب ضعیفان را در وقت توانایی

دیشب گله ی زلفش با باد همی کردم / گفتا غلطی بگذر زین فکرت سودایی

قالب شعری قصیده: در غزل و قصیده قافیه ی مصرع اول با قافیه ی مصراع های زوج یکی است.

× _____ × _____

_____ _____

_____ _____

مثال:

بهار تازه دمیده ای به روی رشک بهار بیا و روز مرا خوش کن و نبید بیار

همی به روی تو ماند بهار دیبا روی همی سلامت روی تو و بقای بهار

رخ تو باغ من است و تو باغبان منی مده به هیچ کس از باغ من، گُلی زنهار

قالب شعری مثنوی: در مثنوی همه ی ابیات یک وزن و دو مصراع هر بیت قافیه های جداگانه دارد.

◊ _____ ◊ _____

□ _____ □ _____

Δ _____ Δ _____

○ _____ ○ _____

مثال:

شیخ خندید و بگفتش ای سَلیم این درخت علم باشد ای علیم

تو به صورت رفته ای ای بی خبر زان ز شاخ معنی ای، بی بار و بر

گه درختش نام شد، گاه آفتاب گاه بحرش نام شد، گاهی سحاب

آن یکی کِش صد هزار آثار خاست کمترین آثار او، عمر بقاست

نکته: در مثنوی چون قافیه های هر بیت مستقل و جداگانه است،شاعر راحت تر می تواند شعرهای طولانی بسازد، پس این برای سرودن داستان های تاریخی و حماسی و... مناسب است.

قطعه: شعری است که مصراع های دوم همه بیت های آن هم قافیه هستند حداقل بیت های قطعه دو بیت است اما حداکثر مشخص نشده است

در قطعه به پند و اندرز و مسایل اخلاقی و اجتماعی پرداخته می شود

معروف ترین قطعه سرایان ابن یمین (قرن هشتم) انوری (قرن ششم) و پروین اعتصامی (معاصر) می باشد

چهار پاره (دو بیتی پیوسته): از چند دو بیت تشکیل شده است که در مصراع های دوم آن قافیه وجود دارد و در هر بیت قافیه تغییر می کند

شعر نیمایی (نو): در این شعر مصراع ها برخلاف قالب های دیگر زیر هم قرار می گیرند و قافیه ها نظم خاصی ندارند

درس یازدهم

دانش های زبانی و ادبی

تشبیه

تشبیه یعنی مانند کردن کسی یا چیزی به کسی یا چیز دیگر

مثال: شهید چون چراغی است که در خانه ی ما می سوزد و شقایق سرخ است.

مشَبّه

نکته: تشبیه ابزاری است جهت زیبا و گیرا و اثر گذارتر شدن یک نوشته

برگ درختان سبز در نظر هوشیار آینه ی رازهاست

برگ درختان سبز به آینه ی راز تشبیه شده است

ارکان تشبیه: هر تشبیه چهار قسمت یا چهار رکن دارد.

۱ـ **مشبَّه:** چیزی یا کسی که قصد مانند کردن آن را داریم. **مثال:** واژه ی «شهید» در اینجا

۲ـ **مشَبَّه به:** چیزی یا کسی که «مشبّه» را به آن مانند کرده ایم. **مثال:** کلمه «شقایق»

۳ـ **وجه شَبَه:** ویژگی مشترک بین مشبه و مشبه به. **مثال:** کلمه ی «سرخ» در بالا

۴ـ **ادات تشبیه:** واژه ای که نشان دهنده ی پیوند شباهت است. **مثال:** واژه ی «چون» در بالا

کلمه هایی هستند که طرف اول (مشبه) را به طرف دوم (مشبه به) پیوند می دهند مانند چو ، چون

نکته: از مهمترین ادات تشبیه می توان به « مانندِ ، مثلِ ، هم چون ، هم چو، گویی، برسان، بسان» اشاره کرد.

به طرف اول و طرف دوم اجزای اصلی تشبیه می گویند که در جمله حذف نمی شود

چو و چون اگر به معنی مثل و مانند باشد می توانند آدات تشبیه باشد

نکته : به آدات تشبیه و وجه شبه اجزای فرعی تشبیه می گویند یعنی قابل حذف هستند

ایام گل چو عمر به رفتن ، شتاب کرد

ایام گل طرف اول : مشبه چو : ادات تشبیه عمر : طرف دوم (مشبه به) شتاب کرد (وجه شبه)

نکته : گاهی ادات تشبیه و وجه شبه با هم حذف می شوند و طرف اول و دوم با کسره به هم پیوند داده می شوند که به این تشبیه اضافه تشبیهی می گویند

درخت علم همیشه بار معرفت می دهد . درخت علم بار معرفت : اضافه تشبیهی

علم به درخت و معرفت به بار مانند شده است

طرف اول طرف دوم طرف اول طرف دوم

عناصر داستان

یک داستان نویس برای نوشتن یک داستان کامل و بدون نقص باید عناصر داستان خود را مشخص و نقشه ی عناصر داستان را ترسیم نماید.

این عناصر مهم عبارت اند از:

۱ـ **شخصیت ها:** شامل تمام افرادی می شود که در داستان حضور دارند.

۲ـ **زمان:** نشان دهنده ی زمان رخ دادن این داستان می شود.

۳ـ مکان: داستان نویس باید دقیقاً مکان داستان را مشخص و توصیف کند.

٤ـ رویدادها و حوادث: این حوادث شامل موضوع داستان و مسیر رویدادهای داستان از ابتدا تا انتها می شود.

٥ـ پیام: هر داستانی پس از اتمام، پیامی را باید به ذهن خواننده انتقال دهد که برای خواننده به راحتی قابل درک باشد.

درس دوازدهم

دانش های زبانی و ادبی

در گذشته و در متن های کهن فارسی، بعضی از فعل ها به شکل خاصی به کار برده می شده که امروزه دیگر به آن شکل ها به کار برده نمی شود.

مثال: همی طلب، همی دار به جای بطلب و بدار

متون کهن زبان امروزی

یکی از این موارد، فعل امر است.

فعل امر:

فعل امر: فعلی است که انجام کاری را به صورت خواهش و یا فرمان از شنونده درخواست می کند؛

مثال: برو، بگو، بخور ،بپوش و...

روش ساختن فعل امر

در ساخت فعل امر همیشه بن مضارع وجود دارد. فعل امر با اضافه کردن «بـ» به اول بن مضارع ساخته می شود.

دو ساخت فعل امر

- دوم شخص مفرد برو: بـ + بن مضارع
- دوم شخص جمع بروید: بـ + بن مضارع + ید

نکته: گاهی در فعل امر «بـ » حذف می شود و ما از روی مفهوم جمله، متوجه امری بودن فعل می شویم.

مثال: رو که زمان کوتاه است رو برو

در زمان گذشته به جای (بـ) در فعل امر نشانه های دیگری مانند «همی» وجود داشت.

مثال: همی طلب بطلب / همی دار بدار

روش ساختن بن مضارع

اول، حالت دستوری یا امری فعل مورد نظر را می نویسیم. سپس «بـ » را از ابتدای فعل امر ساخته شده حذف می کنیم.

مثال: فعل خوردن ← حالت امری آن می شود بخور و بن مضارع با حذف کردن «بـ» از ابتدای آن به دست می آید.

بخور بن مضارع خور

درس چهاردهم

دانش های زبانی و ادبی

شخصیت بخشی (تشخیص)

یکی دیگر از تکنیک های زیبایی بخشیدن به یک متن یا شعر آرایه ی «شخصیت بخشی» می باشد. شاعر یا نویسنده برای زیبا ساختن و ساده تر کردن مفاهیم شعر و نوشته ی خود از زبان موجودات و اشیا سخن می گوید و اعمال انسانی را به آنها نسبت می دهد.

به عبارتی شاعر یا نویسنده ویژگی های انسان را به غیر انسان نسبت می دهد.

مثال:

الف) غنچه با دل گرفته گفت: زندگی لب ز خنده بستن است.

ب) گل به خنده گفت: زندگی شکفتن است.

در این مثال ها شاعر خندیدن، سخن گفتن و غمگین شدن را که از صفات انسانی است به غنچه و گل نسبت داده است.

مناظره : مناظره نیز مانند شخصیت بخشی یکی از روش های مورد استفاده ی شاعران و نویسندگان است.

مناظره به معنای گفت و گوی دو نفره و بیان نظرات هر یک می باشد. گاهی در نوشته یا شعر، شخصیت های انسانی و یا غیر انسانی به صورت پرسش و پاسخ و یا بحث، به گفت و گو می پردازند.

در شعر «راز زندگی» قیصر امین پور با روبه رو قرار دادن غنچه و گل از شیوه ی مناظره استفاده کرده است.

نکته : هرگاه بعد از نشانه ی ندای (ای) غیر انسان قرار گیرد آرایه ی تشخیص به وجود می آید ای نسیم سحر خیز آرمگه یار کجاست . که در این مصراع ای نسیم سحر خیز آرایه ی تشخیص است چون نسیم غیر انسان است و مورد خطاب واقع شده است یعنی ما با نسیم در حال صحبت هستیم

توجه : به آرایه های شخصیت بخشی آدم نمایی ، جان بخشی و تشخیص هم می گویند

دست در دامن مولا زد ، در که علی بگذر و از ما مگذر

دست به در و مصراع دوم حرف زدن با حضرت علی به در نسبت داده شده است

درس پانزدهم

دانش های زبانی و ادبی

قالب شعر «میوه ی هنر» **قطعه** است. قطعه شعری است که مصراع های زوج آن هم قافیه اند؛ موضوع آن اخلاقی، اجتماعی،و پند و اندرز است. بیت های قطعه از ابتدا تا پایان به یکدیگر مربوط هستند؛ تعداد بیت های قطعه بین سه تا پانزده بیت است؛ امّا گاهی تا پنجاه بیت و بیش از آن هم رسیده است. از میان شاعران پارسی زبان ،انوری، ابن یمین و پروین اعتصامی بیش از دیگران به قالب قطعه پرداخته اند.

نمودار زیر چگونگی قرار گرفتن قافیه در قطعه را نشان می دهد.

× _____ _____

× _____ _____

× _____ _____

واژه های مخفّف (کوتاه شده)

گاهی در اشعار و متون فارسی ، نویسندگان و شاعران برای حفظ وزن و آهنگ شعر، کلمه ها را به شکل کوتاه شده یا مخفّف آنها به کار می برند.

مثال: اکنون مخفف کنون ، اگر مخفف گر ، سیاه مخفف سیه

مهمترین واژه هایی که به صورت کوتاه شده به کار برده می شود، عبارت اند از:

دیشب یا دیروز مخفف دی ، شاه مخفف شه ، گاه مخفف گه ، ماه مخفف مه

شبه جمله

شبه جمله به واژه هایی گفته می شود که شباهتی به جمله ندارند، دارای نهاد و گزاره نیستند؛ امّا به تنهایی معنای یک جمله ی کامل را دارند.

شبه جمله ها حالت هایی مانند: آرزو،غم ، شادی ، تشویق، حسرت، تعجّب و هم چنین حالات روحی و درونی را بیان می کنند. (به این شبه جمله ها ، صورت نیز گفته می شود.)

مثال: افسوس ، آفرین، ای،کاش، دریغ ، آوخ، آه ، ای داد و بیداد و ...

نکته: منادا و ندا نیز می تواند شبه جمله باشد .

مثال: یا رسول الله ، خدایا ، حافظا

نکته: منادا همیشه با نشانه ی ندا همراه نیست .

مثال: دریا قُلی ای دریاقُلی

نکته: برخی از شبه جمله ها از زبان عربی وارد زبان ما شده است. مانند: (ما شاء الله)

- مهم: در هنگام شمارش تعداد جمله های یک عبارت، باید توجه داشته باشیم که هر شبه جمله ، یک جمله ی کامل به شمار می رود.

نکته: این واژه ها در صورتی که کاربرد اسم داشته باشد شبه جمله نیستند

حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

حیف اسم است و شبه جمله حساب نمی شود

شبه جمله ها دارای نهاد و گزاره نیستند.

اوخ که شدم هیزم و آتشگر گیتی

درس شانزدهم

دانش های زبانی و ادبی

یکی از ترکیب های جدید برای ساختن واژه ها، ترکیب کلمه با (خوان/ خوانی) می باشد.

مثال: آواز + خوان آواز خوان یعنی کسی که آواز می خواند.

مثال: آواز + خوانی آواز خوانی یعنی فعل آواز خواندن

از ترکیب واژه های بسیاری با خوان و خوانی می توان مانند مثال بالا واژه های جدیدی ساخت.

مثال: شعرخوان، نغمه‌خوان، لالایی، ترانه، سرود، مرثیه، شاهنامه‌خوان، تعزیه و...

یادآوری

- بعضی از کلمه ها به یک شکل نوشته می شوند؛ ولی با استفاده از حروف صدادار ، معنای آنها تغییر می کند . به این کلمات، کلمه های « **هم نویسه** » می گویند.

مثال: سَحَر ، سِحر ـ مَرد ، مُرد ـ دَرک ، دَرَک ـ شِش ، شُش

- بعضی از کلمه ها به یک شکل خوانده می شوند ولی شکل نوشتن آنها متفاوت است. به این کلمات « **هم آوا** » گفته می شود.

مثال: خوان ـ خان / خوار ـ خار / صواب ـ ثواب / حیاط ـ حیات

- بعضی دیگر از کلمات ، هم آوا و هم نویسه هستند؛ ولی معنای متفاوتی در جمله دارند.

مثال: شیر: شیر سلطان جنگل است.

شیر: دیروز شیر آب خانه ی ما خراب شد.

شیر: من یک بطری شیر از سوپر مارکت خریدم.

مثال: سیر: پیامبر اکرم (ص) فرمود: قبل از سیر شدن دست از غذا خوردن بکشید.

سیر: سیر از دسته گیاهانی است که مصرف دارویی دارد.

مثال: بار: کامیون برای حمل بار استفاده می شود.

بار: در طول ماه گذشته دو بار به مسافرت رفتم.

درس هفدهم

دانش های زبانی و ادبی

هنگامی که شاعر یا نویسنده ، در یک شعر یا نثر از واژه هایی که معنای متضاد دارند استفاده کند و آنها را کنار هم بیاورد از **آرایه ی تضاد** استفاده کرده است که باعث زیبایی و لطافت سخن می شود.

مثال: ای نام تو روییده به گلدان لبم در مرحمت تو غوطه ور، روز و شبم

مثال: ای غمم تو ، شادی ام تو مایه ی آزادی ام تو

مثال: دست در دامن مولا زد ، در که علی بگذر و از ما مگذر

و یا استفاده از عباراتی مانند: رفت و آمد خانوادگی ، گل پشت و رو ندارد ، زندگی بالا و پایین دارد ، کتاب را زیر و رو کردم ، توی خواب و بیداری بودم .

کاربرد های حرف اضافه ی «را»

گاهی حرف های اضافه غیر از آن معنایی که در ذهن ما وجود دارد به کار برده می شوند؛ «را» در دستور زبان فارسی نشانه ی مفعول است و بعد از مفعول می آید.

مثال: محمّد وسایلش را آورده است.

مفعول نشانه ی مفعول

نکته: در گذشته گاهی « را » به معنی « به » به کار می رفته است .

مثال: لقمان را گفتند : به لقمان گفتند.

هنگام بررسی متن های کهن و بازگردانی آنها به فارسی ساده ی امروزی، باید به این نکته توجه کرد.

نکات دستور زبان

قید و انواع آن

قید مختص : بعضی از قید ها جز نقش قیدی، نقش دیگری در جمله نمی پذیرند، این قبیل قیدها را قید مختص می نامند ، زیرا که اختصاص به نقش قیدی دارند.

مانند: هرگز – هنوز – البته – مثلا – احیانا – اتفاقاً.

من هرگز او را ندیده ام.

پدرم هنوز از مسافرت برنگشته است.

کلمه هایی که درآخر آنها تنوین ـــً هست همگی درزبان فارسی قید مختصند.

مانند: اتفاقاً– احتمالاً– اصلاً– ضمناً.

اتفاقاً دیروز علی را در خیابان دیدم .

اقسام قید از جهت معنی:

- قید زمان : مانند : شب ، بعضی وقتها

درجمله زیر:

شب باران آمد . بعضی وقتها باران می بارد

- قید مکان : مانند : اینجا و آنجا در عبارت زیر:

حسن اینجا نشسته بود و احمد آنجا

- قید مقدار : مانند : کم کم و زیاد در عبارت زیر:

دیشب باران کم کم آمد اما امروز زیاد بارید.

- قید کیفیت : مانند : خوب و به آرامی در جمله های زیر:

احمد خوب کار می کند . احمد به آرامی کار می کند.

♦ قید حالت : حالت فاعل یا مفعول را در حین انجام دادن و انجام گرفتن کار بیان می کند.

مانند : افتان و خیزان و گریان در جمله های زیر:

مرد مجروح افتان و خیزان خود را به پشت درخت رسانید.

♦ قید تصدیق و تاکید : مانند : حتماً در جمله : حتما به دیدار شما خواهم آمد.

♦ قید پرسش : مانند: چگونه در جمله : چگونه این کار را انجام خواهید داد ؟

♦ قید شک و تردید : مانند: شاید در جمله: شاید فرداد به کتابخانه بروم.

♦ قید تأسف : تاسف گوینده را از وقوع فعل یا از واقع نشدن آن بیان می کند .

مانند : افسوس و متاسفانه در جمله های زیر:

افسوس که دوستان ، خیلی زود ما را ترک می کنند.

متاسفانه نتوانستم شما را ببینم.

♦ قید تعجب : مانند : عجبا در این جمله:

عجبا ! عمر آدمی به این زودی به پایان می رسد.

یاد آوری : حرف اضافه با متمم و گروه متممی جمعا در برخی موارد نقش قیدی پیدا می کنند . مثلاً : احمد در اطاق سرد کار می کند . در (حرف اضافه)+ اطاق (متمم)+ سرد (صفت اطاق) = قید مکان.

ندانم از چه سبب رنگ آشنایی نیست از (حرف اضافه) + چه (صفت برای سبب) + سبب (متمم) = قید علت.

انواع تا

برای پی بردن به معانی کلمات و به خصوص در شعر، نیازمند کنکاشی دقیق در کاربرد آن ها هستیم. در حقیقت برای فهم معنای یک کلمه (اسم، فعل ، حرف، صفت ، قید و ...) باید بتوان زنجیره معنای موجود در جمله را درک کرد تا به وسیله فهم معنای کل جمله، کلمه مورد نظر هم معنا شود .

کلمه تا در زبان فارسی بیش از بیست نوع و کارکرد دارد که البته ما در پایه ششم تنها با چند نمونه از آن آشنا می شویم:

۱ .تا می تواند به تنهایی به عنوان یک شبه جمله و در معنای آگاه باش ، هشدار و .... به کار رود .

ز صاحب غرض تا سخن نشنوی / که گر کار بندی پشیمان شوی (اگاه باش که سخنی را از فرد دارای سوء نیت نشنوی که اگر بشنوی و به کار بگیری پشیمان خواهی شد)

۲ .به عنوان حرف بیان علت در معنای: برای اینکه – تا اینکه

زین دایره مینا خونین جگیرم، می ده / تا حل کنم این مشکل در ساغر مینایی (تا: برای اینکه)

تا کمالِ علمِ او ظاهر شود / این همه اسرار در صحرا نهاد (تا: برای اینکه)

دست از مسِ وجود چو مردانِ ره بشوی / تا کیمیایِ عشق بیابی و زر شوی (تا: برای اینکه)

۳ .به معنای تا زمانیکه – مادامی که. در این صورت حرف تا، حرف_ربط است .

تا جان در تن است امید صد هزار راحت است (تا: تا زمانی که)

از دست غیبت تو شکایت نمیکنم / تا نیست غیبتی نبود لذت حضور

۴ .اگر حرف تا به معنی که به کار رود باز هم حرف_ربط است .

عمر گرانمایه در این صرف شد / تا چه خورم صیف و چه پوشم شتا (عمر ارزشمند بر این گذشت که ...)

عمری است تا به راه غمت رو نهاده ایم (عمری است که....)

۵ .اگر تا به معنای آغاز یک زمان باشد حرف_ربط است

تا جهان بود از سر آدم فراز / کس نبود از راه دانش بی نیاز (از زمانی که جهان بالای سر انسان بود...)

تا دل به مهرت داده ام در بحر غم افتاده ام (از زمانی که ....)

۶ .اگر تا به معنای پایان زمان و یا انتهای مسیری باشد حرف_اضافه خواهد بود .

از دم صبح ازل تا آخر شامِ ابد / دوستی و مهر بر یک عهد و یک میثاق بود (اشاره به پایان زمان)

دوش در حلقه ما صحبت گیسوی تو بود / تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود

نقش خیال تو تا وقت صبحدم / بر کارگاه دیده بی خواب می زدم

گفت می باید تو را تا خانه قاضی برم (اشاره به مقصد ، پایان مسیر)

دلم از وحشت زندان سکندر بگرفت / رخت بربندم و تا ملک سلیمان بروم

نذر کردم گر از این غم به در آیم روزی / تا در میکده شادان و غزلخوان بروم

با صبا افتان و خیزان میروم تا کوی دوست

انواع را

حرف را یکی از حروف پرکاربرد در زبان و ادبیات فارسی است که امروزه غالبا به عنوان نشانه_مفعول در جملاتی که فعل گذرا به مفعول داشته باشند به کار می رود. اما در گذشته کارکردهای دیگری نیز داشته که از آن جمله می توان به را ی حرف_اضافه اشاره کرد که در این مطلب با آن آشنا می شویم

انواع را :

۱ .نشانه_مفعول : پرکاربردترین نوع را که از گذشته تا امروز پابرجا مانده. در جمله ای به کار می رود که فعل گذرا به مفعول داشته باشد .

مثال:

مِی نوش به خرمی که این چرخِ کهن / ناگاه تو را چو خاک گرداند پست (را مصراع دوم نشانه مفعول- مفعول: تو)

ای دوست بیا تا غم دنیا نخوریم / وین یک دمِ عمر را غنیمت شمریم (را نشانه مفعول برای فعل غنیمت شمردن)

دوست می دارم من این نالیدن دل سوز را / تا به هر نوعی که باشد بگذرانم روز را (را نشانه مفعول برای فعل دوست داشتن و فعل گذراندن)

نبیند مدعی جز خویشتن را / که دارد پرده پندار در پیش

۲حرف_اضافه : در ادبیات قدیم را به عنوان حرف اضافه و در معنای به – از – برای و بر به کار می رفته است .

اینک برای هرکدام مثالهایی ذکر میکنیم .

✓ را به معنای به

رندانِ تشنه لب را آبی نمی دهد کس (کسی به رندان تشنه لب آب نمی دهد)

پدر را از این حال آگاهی دادند. (به پدر از این حال خبر دادند)

لقمان را گفتند ادب از که آموختی؟ (به لقمان گفتند...)

دانی چه گفت مرا آن بلبل سحری؟ (می دانی که به من چه گفت؟)

گفت ای شیخ مرا چیزی بیاموز

✓ را به معنای از

یکی از ملوکِ بی انصاف پارسایی را پرسید از عبادتها کدام فاضل ترست؟ (از یک پارسا پرسید ....)

یکی را از ملوک عجم حکایت کنند که ... (از یکی از پادشاهان غیر عرب حکایت می کنند که ...)

✓ را به معنای برای

مشتاقی و صبوری از حد گذشت یارا / گر تو شکیب داری طاقت نماند ما را (برای ما طاقت نماند)

از آمدنم نبود گردون را سود (برای گردون سودی نبود...)

این دعای خیر است تو را و جمله مسلمانان را. (برای تو و همه مسلمانان)

انوشیروان را به صحرا صید کباب کردند (برای انوشیروان صیدی را کباب کردند)

درویشی را ضرورتی پیش آمد

✓ را به معنای بر

اسبی را سوار شد و به دنبال آنان تاخت (بر اسبی سوار شد ...)

سرِ بی تنت را که خواهد گریست؟ (چه کسی بر تن بی سرِ تو گریه می کند؟)

شمارش تعداد جملات

۱- فعل های حاضر در جمله را می شماریم.

۲- فعل های غایب (حذف شده) را می شماریم.

۳-شبه جمله تمام جمله ها به عنوان جمله حساب می شوند.

تعداد فعل های ذکر شده + تعداد فعل های حذف شده + شبه جمله

مثال :

-ای مردم ! بدانیدملتی که تلاش کند وپشتکار داشته باشد هم به برخورداری می رسد وهم به موفقیت .

- ای مردم + بدانید+ تلاش کند+ داشته باشد +می رسد +می رسد (که حذف شده)

-شبه جمله + فعل + فعل + فعل + فعل +(فعل حذف شده)

گاهی در جمله عبارتی شبیه به فعل می آید که هرگز فعل نیست. مانند مصدر ها ،بنابراین، این گروه هرگز در شمارش، جمله محسوب نمی شوند.

مثال :

-هنگام رفت وآمد از خیابان احتیاط کن . (یک جمله)

کار کردن وتلاش کردن رمز موفقیت است . (یک جمله)

نکته : گاهی فعل ها به صورت مخفف می آیند که درشمارش جمله ها محسوب می شوند مثال :

- من آن نی ام که توررا‌ها کنم .(من آن کسی نیستم که تورارهاکنم)

شبه جمله ها بر دو نوع هستند:

۱- منادا منادا را از حروف ندا تشخیص می دهیم . حروف ندا عبارتند از : ای ، یا ، ایا ، « ا » در پایان واژه ، (بدون هیچ علامتی) یعنی از لحن نوشته یا کاما متوجه می شویم .

۲- صوت عبارتند از :

برای آرزو و دعا : کاشکی ، کاش ، ای کاش ، آمین ، الهی

برای تشویق : به به ، آفرین ، احسنت ،بارک الله، مرحبا،خوشا

برای تاسف و درد : آه ، درد ، دریغا ، دریغ ، ای داد ،فریاد ، وای

برای تعجب : به ، وه ، عجب ، چه عجب ، عجبا ، شگفتا

برای تنبیه : امان ، الامان ، مبادا ، زنهار ، هان

برای احترام:چشم ، به چشم ، بله قربان

برای قبول و تصدیق : بله ، آری ، ای ، ای والله

برای دستور :خاموش ، ساکت ، یالله ، بسم الله

مسلمانان،مسلمانان،مسلمانی ز سر گیرید که کفر از شرم یار من مسلمان وار می آید(چهار جمله)

روزها گر رفت گو رو باک نیست تو بمان ای آن که چون تو پاک نیست(هفت جمله)

هان ای دل عبرت بین از دیده عبر کن هان...(چهار جمله).

- گاهی در جمله عبارتی شبیه به فعل می آید که هرگز فعل نیست. مانند مصدر ها، بنابراین، این گروه هرگز در شمارش، جمله محسوب نمی شوند.
- نکته: گاهی فعل ها به صورت مخفف می آیند .در شمارش جمله ها محسوب می شوند.

افعال ربطی یا اسنادی

افعال« است، بود، شد، گشت، گردید» را افعال ربطی یا اسنادی می گویند.

معمولا به کلمه ای که قبل از فعل ربطی می اید ، مسند می گویند و نهاد یا فاعل ، نقش مسند الیه می گیرد.

✓ نکته۱ :

« است » به معنای «وجود دارد» فعل ربطی نیست

مثال: غله در انبار است= یعنی غله در انبار وجود دارد.

✓ نکته۲ :

«گشت و گردید» به معنای «دور زد و حرکت کرد» ربطی نیست.

مثال: علی اطراف شهر راگشت. (اطراف را دور زد): غیر ربطی

✓ نکته۳ :

«شد» به معنی«رفت» فعل ربطی نیست.

مثال: شد غلامی که آب جوی آرد غلامی رفت که آب بیاورد

✓ نکته۴ :

«آمد و افتاد» اگربه معنای «باشد و شد» باشند فعل ربطی هستند.

مثال: علم بی عمل سودمند نیافتند یعنی سودمند نباشد

مثال:پزشکان در معالجه ی او عاجز آمدند پزشکان در معالجه او عاجز شدند.

روش های تشخیص ترکیب های وصفی و اضافی

روش هایی که گفته می شود شاید برای بعضی ترکیب ها کاربرد نداشته باشد ، پس ما باید روشهای بیشتری را استفاده کنیم تا به نظر قطعی برسیم. بعضی اوقات نیز کلمه دوم به طور واضح و از نظر مفهوم صفت و اسم بودنش مشخص هستش و دانش آموز بدون استفاده از این روشها نوع ترکیب را تشخیص می دهد. که البته برای اطمینان بیشتر می تواند یکی از روش ها را نیز امتحان کند.

۱. اولین روش : کسره ی بین دو کلمه را برداشته و به جای آن کاما و در پایان ترکیب "است" می گذاریم که تبدیل به جمله میشود حالا اگر جمله مفهوم داشت ترکیب وصفی هست در غیر این صورت اضافی می باشد.

مانند: درخت بزرگ:این درخت ، بزرگ است. چون جمله با مفهوم است ، بنابراین ترکیب "درخت بزرگ" ترکیب وصفی هست.

نظر طبیب: این نظر، طبیب است. چون جمله نامفهوم است، بنابراین ترکیب"نظر طبیب" ترکیبی اضافی است.

۲. دومین روش تشخیص: در موصوف و صفت معمولا می توانیم بعد از صفت،"تر و یا ترین" اضافه می کنیم اما در مضاف و مضاف الیه، نمی توانیم به دنبال مضاف الیه "تر یا ترین"اضافه کنیم.

مانند: قلب پاک = قلب پاک تر

کلاس درس ← کلاس درس تر ×

چون به درس،" تر" اضافه نمی شود ، پس ترکیب اضافی هست.

۳. سومین روش: در موصوف و صفت معمولا بعد از موصوف می توانیم"ی و یا ای" اضافه کنیم.مانند:

گل زیبا = گلی زیبا

اما بین مضاف و مضاف الیه نمی توانیم " **ی** و **ای** " اضافه کنیم.

بازار شهر= بازاری شهر چون معنی نمی دهد پس ترکیب اضافی هست.

۴. چهارمین روش: در موصوف و صفت معمولا می توانیم واژه های "بسیار و خیلی " بین موصوف و صفت بیاوریم اما در مضاف و مضاف الیه نمی توانیم. مانند:

پسر توانا = پسر بسیار توانا ← ترکیب وصفی

مادر امیر = مادر بسیار امیر ✕ ترکیب اضافی

۵. پنجمین روش : در موصوف و صفت ،هیچ وقت صفت جمع بسته نمی شود و همیشه مفرد است.

گل زیبا = گل زیباها

در مضاف و مضاف الیه،معمولا مضاف الیه و یا هر دو کلمه جمع بسته می شوند.

در باغ = درهای باغ　　در باغ = در باغ ها

۶. ششمین روش: اگر جای دو کلمه را عوض کنیم و در انتهای آنها "دارد" بگذاریم و جمله ی معناداری ساخته شود، آن ترکیب اضافی است و اگر معنا ندهد، ترکیب وصفی است.

آب گوارا = گوارا، آب دارد ← ترکیب وصفی

پدر او = او، پدر دارد. چون معنی دارد، پس ترکیب اضافی است.

- نکته مهم

گاهی در مضاف و مضاف الیه هم،نمی توانیم مضاف الیه را جمع ببندیم. مانند:

عید نوروز ← عید نوروزها شهر شیراز ← شهر شیرازها

- نکته مهم

اگر در ترکیبی واژه ی دوم جمع باشد، این ترکیب، دیگر موصوف و صفت نیست.مانند:

باغچه اطفال خانواده ی شهدا خانه ی دیگران

- نکته مهم

برای تشخیص دقیق موصوف و صفت از مضاف و مضاف الیه، بهتر است از چندین روش استفاده کنیم تا تشخیص دقیق تر باشد.

- نکته مهم

گاهی اوقات چند ترکیب با همدیگر و پشت سر هم می آیند. مانند:

شهر زیبای شیراز شهر زیبا = ترکیب وصفی شهرشیراز = ترکیب اضافی

- نکته مهم

بعضی مواقع در ترکیب اضافی به جای مضاف الیه(اسم دوم) ضمیر پیوسته می آید. مانند:

مادرم = مادر من ← ترکیب اضافی

ممنون از صبر و حوصله ی هم دوستان

مریم عزیزی – تالار معلمان پایه پنجم زیر نظر دکتر صفایی